

# پولس

رسولی برای ماموریت غیر ممکن

به قلم:  
امیر اردلان امینو داودی

# پولس

رسولی برای ماموریت غیر ممکن

به قلم

امیر اردلان (متیو) داودی

**پولس**

**رسولی برای ماموریت ناممکن**

**Paulous**

**The Apostle for Mission Impossible**

**By**

**Amir Ardalan (Matthew) Davoodi**

**April ۲۰۱۸**

**Copyright protected**

به همسر و فرزندانم

که به فاطمه من همه مشقتها را به جان فریدند

9

داود که راه نجات را به من نشان داد



۷	پیشگفتار
۱۰	زندگینامه پولس قبل از آغاز رسالت
۱۴	مکاشفه پولس
۱۷	پخش خبر خوش و سفرهای پولس
۲۷	معجزات پولس
۲۹	یاران پولس
۳۹	چرا عیسی، پولس رسول را انتخاب کرد؟
۴۹	نامه‌های پولس
۶۹	رساله رومیان به نقل از انجیل شناسان
۷۸	چرا پولس بر ایمان، محبت و امید تاکید می‌کند؟
۸۹	کلام آخر
۹۳	منابع

## پیشگفتار

پولس بی‌تردید شخصیت بسیار تاثیرگذار در دنیای مسیحیت می‌باشد، آنقدر تاثیرگذار که مکاشفه او بعد از تولد، زندگی و مرگ مسیح خداوند بزرگترین اتفاق مسیحیت به شمار می‌آید. بحث از او صرفاً بحث از یک شخص عادی نیست؛ زیرا پولس مرحله‌ای از تاریخ کلیساست و شناختن پولس، شناخت مرحله‌ای مهم و حیاتی از تاریخ مسیحیت می‌باشد؛ او را باید بزرگترین عالم الهیات مسیحی به شمار آورد؛ کسی که الهیات مسیحی را پایه گذاری نهاد.

او در ابتدا دشمن مسیحیان بود. کتاب مقدس نام وی را در داستان شهادت استیفان که برگزیده حواریون بود، مطرح نموده است. پولس در زمره مخالفان استیفان و دست‌اندرکار شکنجه‌ی وی بود. (اشاره به داستان سنگسار استیفان به نقل از اعمال رسولان) (۱)

اما شاید یکی از مهمترین سوالات مسیحیت این است که چرا مسیح خداوند، پولس را به عنوان ظرف برگزیده خود انتخاب نمود؟ اهمیت این پرسش به حدی مهم است که عده‌ای از انجیل‌شناسان ادعا می‌کنند که اگر کسی جواب این پرسش را درک نماید، انجیل را کاملاً درک کرده است.

مسیح خداوند، پولس را در موقعیت حساسی از تاریخ مسیحیت انتخاب نمود و به او ماموریتی بزرگ و طاقت فرسا را سپرد. صید جانهای غیر یهودیان در آن برهه مسیحی ستیزی، کار آسانی نشان نمی داد.

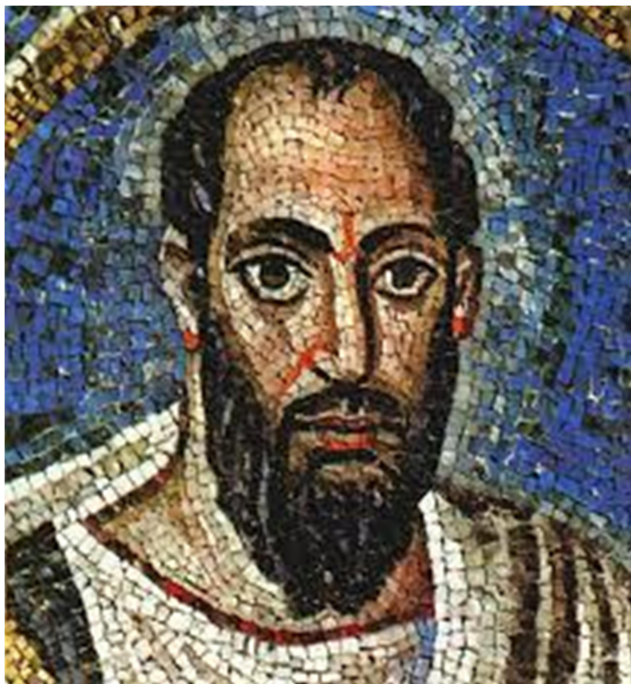
مسیح خداوند نیاز به شخصی زیرک، عالم، جسور، سخنور، صبور و ذی نفوذ داشت و این شخص را آرام آرام ساخته و پرداخته نمود و در موقعیتی مناسب و صد البته حساس رسالت را به او ابلاغ کرد.

این کتابچه، به طور مختصر و با استفاده از کتاب مقدس، منابع تاریخی و تفاسیر و موعظه های کشیشان، به ایمانداران تا حدی کمک می کند تا پولس رسول و یارانش را شناخته، با سفرهای بشارتی، رساله های او و عمق کلام او آشنا شوند تا علت های انتخاب او را توسط مسیح خداوند بهتر درک نمایند.

شاید بهتر باشد با یک مثال ساده، رسالت این کتاب را برای خوانندگان ترسیم کنیم. مسیح خداوند، سازنده زیباترین آهنگ هستی، رهبر ارکستری توانا، قابل و چیره دست را برای هدایت صحیح نوازندگان انتخاب می نماید. رهبر ارکستر باید نوازندگان را از لحاظ ضرباهنگ، در اجرای یک آهنگ با نمودی درست، کامل و شایسته با یکدیگر هدایت کند. وانگهی رهبر می باید سازها یا صداهای گوناگون را به حالت تعادل درآورد، بطوریکه مثلاً هیچ فردی از گروه نوازندگان یا خوانندگان درجه و میزان ساز یا صدای خود را در ارتباط با سایر نوازندگان یا خوانندگان بسیار بلند یا بسیار کوتاه عرضه ندارند. این رهبر ارکستر بی گمان پولس

رسول می باشد و ما نوازندگان آهنگ این هستی هستیم و مسیح خداوند  
خالق این آهنگ زیبا.

## زندگینامه پولس قبل از آغاز رسالت



شائول (پولس) در حدود سال ۳ یا ۱۰ میلادی، در خارج از سرزمین فلسطین، در شهر تارسوس، از ناحیه سیلیس، در کیلیکیه (جنوب شرقی ترکیه امروزی) در خانواده‌ای یهودی فریسی تولد یافت.

این شهر در زمان پولس، شهری تجاری بود که بر سر راه آسیای صغیر به سوریه قرار داشته است. چنانکه «جان ناس» نویسنده کتاب تاریخ جامع ادیان درباره وی می‌نویسد:

در آن شهر، مدرسه مهمی وجود داشته که در آن مبانی و احکام فلاسفه رواقیون و کلیون را تعلیم می‌داده‌اند و ظاهراً پولس نزد آنها تربیت نفوس را، تا به حدی که بقای ابدی جاویدی حاصل کنند و مظهر شخصیت الهی گردند، فرا گرفته است.

نام اصلی او، شائول بود؛ اما پس از گرایش به مسیحیت، نام پولس را برگزید که ترجمه یونانی واژه شائول و به معنای کوچک می‌باشد. (۲) پولس در رساله فیلیپیان خود را اینگونه معرفی می‌نماید:

فته شده در روز هشتم، از قوم اسرائیل، از قبیله بنیامین، فرزند عبرانی از والدین عبرانی؛ به لحاظ ابرای شریعت، فریسی؛ به لحاظ غیرت، آزاردهنده کلیسا؛ به لحاظ پارسایی شریعتی، بی‌عیب. (۳)

در اعمال رسولان خود را اینگونه معرفی می‌نماید:

من مردی یهودی‌ام، متولد تارسوس کیلیکیه. اما در این شهر پرورش یافته‌ام. شریعت ابرادی خود را به کمال، در مفسر گملیل فرا گرفته‌ام و برای خدا غیور بودم، چنانکه همگی شما امروز هستید. من پیروان این طریقت را تا سرحد مرگ آزار می‌رساندم و آنان را از مرد و زن گرفتار کرده، به زندان می‌انگختم. (۴)

پدرش فریسی بوده و او را مطابق اصول پرورش این فرقه پرورش می‌دهد. پدرش در عین یهودی‌بودن توانسته بود با پول و ثروتی که

داشته، مقام «شارمند»ی (کسی که در حکومت روم از حقوق شهروندی برخوردار بود) را اخذ کند و این امتیاز را به او نیز انتقال دهد.  
در اعمال رسولان در مورد تابعیت خود چنین می گوید:

هنگامی که پولس را برای تازیانه زدن می‌بستند، به افسری که آنها ایستاره بود، گفت: «آیا قانون به شما اجازه می‌دهد یک نفر تبعهٔ روم را تازیانه بزنید، در حالی که حتی ماکمه نشده است؟»  
افسر چون این را شنید، نذر فرمانده رفت و به او گفت: «هیچ می‌دانی چه می‌کنی؟ این مرد تبعهٔ روم است.»  
فرمانده نذر پولس آمد و از او پرسید: «بلگو ببینم، آیا تو تبعهٔ روم هستی؟»  
پاسخ داد: «بله، هستم.»  
آنگاه فرمانده گفت: «من برای به دست آوردن این تابعیت، بهایی گران پرداخته‌ام.»

پولس در پاسخ گفت: «اما من با این تابعیت زاده شده‌ام.» (۵)

در جوانی چند سالی در اورشلیم سکنی گزید، و در آنجا، از گملیل بن هیلل که یکی از مراجع مهم یهودی بوده، علوم دینی و تلمود را آموخت. بدین ترتیب در شهر تارسوس از فرهنگ یونانی بهره برد و در اورشلیم فرهنگ یهودی را کسب کرد و از این دو فرهنگ، در شکل دادن به عقاید خود بسیار استفاده نمود؛

ولی در عقاید دینی و مذهبی، با مبادی فلسفی هلنیزم، در محیط یونانی خود سخت مخالفت داشت و مانند یک فرد فریسی بسیار متعصب به سر می‌برد.

پولس در کنار این آموزش یهودی، با فرهنگ یونانی رومی نیز آشنایی داشت. هرچند زبان یونانی‌ای که او در نامه‌هایش به کار برده است نقص دارد؛ اما یونانی را روان صحبت می‌کرد تا حدی که می‌توانست برای اهالی آتن نیز سخنرانی و موعظه نماید و نیز در مواقع لزوم از نوشته‌های معروف ادبیات یونان استفاده نماید.

چون عادت یهودیان بود که هر کس با صنعتی آشنایی داشته باشد، وی پیشه خیمه‌دوزی را اختیار کرد و تا حدی رزق و روزی خود را از این راه به دست می‌آورد.

## مکاشفه پولس



پولس، زمانی که دریافت مسیح خداوند، پیروانی را در دمشق پیدا نموده است، از یک کاهن اعظم اجازه گرفت تا به آنجا رود و آنان را توقیف نماید و با زنجیر به اورشلیم آورد؛ اما در اثنای سفر اتفاقاتی رخ می‌دهد

و مسیح خداوند بر او نمایان می شود. چنانکه لوقا از زبان پولس در اعمال رسولان چنین می گوید:

من پیروان این طریقت را تا سرحد مرگ آزار می‌رساندم و آنان را از مرد و زن گرفتار کرده، به زندان می‌انگختم. کاهن اعظم و همه اعضای شورای یهود بر این امر گواهند، زیرا از ایشان نامه‌هایی فطاب به برادرانشان در دمشق گرفتم تا به آنجا بروم و این مردمان را در بند نهاده، برای مجازات به اورشلیم بیاورم.

اما چون در طی راه به دمشق نزدیک می‌شدم، هوالی ظهور، ناکه نوری فیره کننده از آسمان گرد من تابید. بر زمین افتادم و صدایی شنیدم که به من می‌گفت: «شائول! شائول! چرا مرا آزار می‌رسانی؟»

پرسیدم: «فراوندا، تو کیستی؟»

پاسخ داد: «من آن عیسای ناصری هستم که تو بر او آزار روا می‌داری.»  
همراهانم نور را دیدند، اما صدای آن کس را که با من سخن می‌گفت، نشنیدند.

گفتم: «فراوندا، چه کنم؟»

فراوند گفت: «برفیز و به دمشق برو. در آنجا هر آنچه انباش بر عهدۀ توست، به تو گفته فواهد شد.» اما من بر اثر درفشش آن نور، بینایی خود را از دست داده بودم. پس همراهان دستم را گرفتند و به دمشق بردند.

در دمشق، مردی دیندار و پایبند به شریعت می‌زیست، فنانیا نام، که در میان همه یهودیان، فوشنام بود. فنانیا به دیدارم آمد و گفت: «برادر شائول! بینا شو!» همان دم، بینایی فویش بازیافت و او را دیدم.

او گفت: «فدای پدران ما، تو را برگزیده تا اراده او را بدانی و آن پارسا را ببینی و سفنانی از دهانش بشنوی زیرا تو در برابر همه مردم، شاهد او

فواهی بود و بر آنچه دیده و شنیده‌ای، شهادت فواهی داد. حال منتظر چه هستی؟ برفیز و تعمیر بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو.» (۶)

## پخش خبر خوش و سفرهای پولس



پولس رسول، سفرهای زمینی و دریایی بسیار کرد تا خبر خوش را به همگان موعظه نماید. پولس پس از مسیحی شدن مشتاقانه خبر خوش ملکوت خدا را اعلام می نمود.

پولس به مبلغ مسیحیت تبدیل شده بود و با شور و حرارتی فراوان پیام مسیح خداوند را تبلیغ می نمود. او برای رساندن پیام مسیح خداوند به

شهرهای زیادی سفر کرد و در بسیاری از شهرها توانست گروه‌هایی را به خود جذب نماید و کلیساهایی در آن شهرها بنا نماید. پولس سه مسافرتی تبلیغی داشت. در مسافرت اول، برنابا و مرقس همسفر او بودند؛ اما در سفر دوم، به علت اختلاف شدیدی که میان برنابا و پولس بر سر مرقس درگرفت، پولس از برنابا جدا شد و شخصی به نام سیلاس را با خود برد. در همین سفر، پولس با لوقا آشنا شد که همان نگارنده انجیل سوم و کتاب اعمال رسولان می باشد. او در این سفرها هر خطری را به جان می‌خرد. این سفرهای تبلیغی پُرمشقت، رویارویی با مخالفان و استقامت بر نظرات خود، از پولس چهره‌ای مقاوم و صبور به تصویر می‌کشد. خود او در نامه‌های متعدد، داستان صبر و استقامتش را به اطلاع دوستانش اینگونه می‌رساند.

پنج بار از یهودیان، سی و نه ضربه شلاق فوردم. سه بار پویم زدند، یک بار سنگسار شدم، سه بار کشتی سفرم غرق شد، یک شبانه‌روز را در دریا سپری کردم. (۷)

او سابقاً پیروان مسیح خداوند را آزار می‌داد، اما بعد از مکاشفه مسیح خداوند، خود نیز به دلیل بشارت و رساندن خبر خوش بارها مورد آزار و اذیت قرار گرفت. این رسول پرطاقت، چندین سفر میسیونری به جاهای دور کرد تا خبر خوش پادشاهی مسیح خداوند را موعظه نماید و نقشه نجات خداوند را برای بشر به تحقق برساند.

## سفر اول بشارتی

پولس حدود سال ۳۴ میلادی ایمان آورد و مبعوث شد، یعنی حدود یک سال بعد از قیام عیسی. بر پایه رساله غلاطیان، او می گوید که در ابتدا در دمشق و عربستان به مدت سه سال ماند.

در ۳۷ میلادی برای نخستین بار بعد از ایمان آوردنش به اورشلیم بازگشت. نمی دانیم پولس چگونه با برنابا آشنا شد اما هر دوی آنها مسیحیان یهودی یونانی زبان بودند. برنابا از قبرس (اعمال رسولان ۳۷-۳۶: ۴) و پولس از تارسوس کیلیکیه بود (اعمال رسولان ۹:۳۱). در اورشلیم برنابا، پولس را به پطرس و یعقوب رسول یعنی برادر عیسی خداوند معرفی نمود.

پولس همراه با برنابا و مرقس به سلوکیه و از آنجا با کشتی به قبرس سفر کردند و در شهر سلامیس و تمامی جزایر آن اطراف به مسیح خداوند، موعظه می نمودند.

برنابا و پولس، زمانیکه در شهر پافس در قبرس به والی آنجا سرجیوس، بشارت می دادند، بازیشوع جادوگر و نبی دروغین، با آنان مخالفت و جلوی کار آنان را می گرفت. پولس وی را مورد غضب الهی قرار داد و بازیشوع کور گردید و سرجیوس والی پافس به مسیح خداوند ایمان آورد.

سپس پولس و همراهانش با کشتی به پرجه پمفلیه رفتند و در آنجا مرقس، از آنان جدا شده به اورشلیم بازگشت، اما پولس و برنابا به

پیسیدیه رفته و در کنایس موعظه می‌کردند، اما یهودیان اهالی شهر را بر ضد آنها شورانیدند و آنان پیسیدیه را به مقصد قونیه ترک گفته و در آنجا چون قصد سنگسار آنان را داشتند، به سوی لستره و دربه، شهرهای لیکاونیه و اطراف آن نواحی رفتند.

پولس در لستره، مردی را که از بدو تولد لنگ بود شفا داد و به دلیل انجام این معجزه، اهالی شهر آنها را از خدایان پنداشتند و برنابا را مشتری (زئوس) و پولس را به علت سخنوری عطارد (هرمس) خواندند و کاهن معبد زئوس، برای آنان حلقه‌های گل آورده و میخواست برای آنان در دروازه شهر گاو و گوسفند قربانی نماید. اما یهودیانی که از انطاکیه و قونیه آمده بودند، پولس را آزار رساندند و جمعیت تحت تأثیر دشمنان، پولس را سنگسار و رها نمودند و چون فکر می‌کردند وی مرده است، او را به خارج شهر انداختند، اما پولس از جا برخاست و به دربه رفت و در آنجا تعداد زیادی ایمان آوردند و دوباره به لستره و قونیه بازگشت و از پیسیدیه گذشته به پمفلیه رفته و در پرجه به موعظه پرداخته و سپس به اتالیه رفته و از آنجا کشتی سوار شده، به محل شروع مسافرت خود، انطاکیه مراجعت نمودند و ماجرای سفر خود و ایمان آوردن مردم غیر یهود را، برای دیگر ایمانداران و شاگردان بازگو ساختند. پولس مدت زیادی را در انطاکیه بماند.

در این سفر اتفاق مهمی پیش آمد و منجر به تشکیل شورای اورشلیم گشت که به آن می‌پردازیم.

برفی از مسیحیان یهودی نژاد بحث می‌کردند که مسیحیان غیر یهودی می‌باید بر طبق برفی از قوانین موسی عمل کنند. پوئس به اورشلیم رخت تا آن موضوع را با رسولان و پیران مطرح کند. ایشان پس از بررسی دقیق کتاب مقدس و با هدایت روح القدس در نامه‌ای به جماعات توصیه کردند که از بت پرستی، خوردن خون و گوشت حیوانی که فونش ریفته نشده و زنا بپرهیزند. این خرامین برای مسیحیان «ضروری» است، اما آن‌ها را ملزم نمی‌سازد که از شریعت موسی اطاعت کنند. (۸)

### دومین سفر بشارتی

دومین سفر بشارتی او، ۵۰ تا ۵۲ میلادی همراه با همکارانش سیلاس، تیموتائوس و لوقا بود. پس از مدت زمانی، پولس از برنابا خواست که به شهرهایی که قبلاً بوده اند، سرزنند. برنابا می‌خواست که مرقس نیز همراه آنان باشد، ولی بر سر بردن مرقس با پولس دچار اختلاف شده و از هم جدا گشتند و برنابا با مرقس به قبرس رفتند. پولس برنابا را دیگر ملاقات نکرد، اما در نامه‌های پولس از برنابا همیشه به نیکی و درستی یاد شده است.

پولس یکی از ایمانداران به نام سیلاس را همراه خود به سفر بشارتی برد، از نواحی سوریه و قیلیقیه گذشته و به کلیساها رفته و ایمانداران را تقویت می‌کردند. در دربه و لستره، تیموتائوس که به احتمال فراوان در اولین سفر پولس به آنجا، ایمان آورده بود را شناخت. پس از آنکه وی را

به سبب آنکه قرار بود در میان یهودیان فعالیت کند، ختنه کردند، پولس، او را نیز همراه با خود برد.

پولس در طی دومین سفر میسیونری خود به شهر بیریه واقع در یونان رفت. یهودیان ساکن آنجا از موعظه پولس به خوبی استقبال کردند و هر روز آیات را بررسی می‌کردند تا درستی تعلیمات پولس را دریابند. چون از نواحی فریجیه و غلاطیه عبور می‌کردند، خداوند آنان را به مکادونیه هدایت کرد، پس به فلیپی که اولین شهر در مرز مکادونیه بود، رفتند. در آنجا به سبب دختری که فالگیری می‌کرد، به زندان افتاده و پس از آنکه شب هنگام زلزله رخ داد، درهای زندان گشوده گشت و پس از ایمان آوردن زندانبان و خانواده‌اش و آگاهی از رومی بودن پولس، آنان را آزاد نمودند.

پولس و همراهانش شهر را ترک گفته و به تسالونیک رفتند. در آنجا یهودیان مردم را شورانده و باعث ترس حکام شهر گشتند.

در آنجا نیز بر اثر تحریک یهودیان مسیحی ستیز، ایمانداران، شبانه پولس را به بیریه فرستادند و پولس به آتن رفت، اما تیموتائوس و سیلاس در آنجا باقی ماندند. او در حضور اشخاص تحصیل کرده آتن سخنرانی پرشوری ایراد کرد و در سنجیدگی و شیوایی کلام از خود الگویی به جا گذاشت. این سخنرانی پولس، از مشهورترین موعظه‌های او بشمار می‌رود.

سپس از آنجا به قرنتس رفت و حدود یک سال و نیم در آنجا باقی ماند و به تعلیم پرداخت. در قرنتس او را به نزد حاکم بردند، ولی حاکم شهر او را آزاد نمود و اهمیتی به شاکیان نداد. پس از ترک قرنتس، به سوریه و سپس به افسس رفت و از افسس به انطاکیه، محل شروع سفرش بازگشت.

### سومین سفر بشارتی

پولس سومین سفر بشارتی خود را از غلاطیه و فریجیه بین ۵۲ تا ۵۷ میلادی آغاز نمود. سپس به افسس رفت و بیش از دو سال در آنجا مانده و کلام خدا را برای یهودیان و غیر یهودیان موعظه می نمود.

وی تصمیم گرفت که به مکادونیه و اخائیه و سپس به روم برود، پس تیموتائوس و ارسطوس را زودتر بدانجا فرستاد، ولی در همین هنگام در افسس توسط سازندگان بت دیانا شورش برپا گشت. این شورش توسط شخصی به نام دیمتریوس که سازنده مجسمه‌های نقره‌ای آرتمیس (از خدایان یونانی) بود، براه افتاد.

آرسترخس که یکی از مسیحیان ایماندار و از اهالی مکادونیه و از یاران نزدیک پولس و در افسس همراه او بود، دستگیر گردید، ولی با وساطت شهردار افسس، شورش خاتمه یافت و وی آزاد گردید.

پولس حدود سه سال در افسس بود و نامه به قرنتیان را قبل از ترک افسس نگاشت. از افسس به مقدونیه و سپس به یونان رفته و مدت سه

ماه در آنجا بماند و نامه به غلاطیان را در آنجا نگاشت، سپس عازم سوریه شد تا به اورشلیم برود و در میلیتس از کشتی پیاده گشته و برای کشیشان کلیسای افسس پیغام فرستاد که به کشتی بیایند و او را ببینند، زیرا فرصت رفتن به افسس را نداشت و در میلیتس برای آنان سخنرانی نمود. از آنجا به شهر صور در سوریه رفته و سپس به قیصریه وارد گشت.

آغابوس که از شاگردان مسیح خداوند و یکی از رسولان بود، از یهودیه به قیصریه رفت و در آنجا به دیدن پولس رفته و به وی هشدار داد که یهودیان او را در اورشلیم دستگیر و تحویل رومی‌ها خواهند داد. ولی علیرغم هشدار آغابوس و درخواست ایمانداران از پولس برای نرفتن به اورشلیم، وی پس از چندی به اورشلیم رفت، (احتمالاً در بهار سال ۵۸ میلادی). وقتی که به معبد رفت، برخی از یهودیانی که قصد کشتن او را داشتند، آشوب به راه انداختند. در نتیجه، سربازان رومی مداخله نموده، از پولس بازجویی کردند. پولس که شهروند رومی بود در حضور فلیکس، حاکم رومی از خود دفاع نمود. ولی یهودیان نتوانستند اتهاماتی که به پولس زده بودند را اثبات کنند. پولس برای این که حاکم رومی دیگر به نام فسْتوس، او را به یهودیان نسپارد گفت:

«به قیصر رفع دعوی می‌کنم.» فلیکس نیز پاسخ داد: «به قیصر قیصر فواهی رفت.» (۹)

## اعزام پولس برای محاکمه به روم

در راه رسیدن به روم، کشتی آنان غرق شد ولی روح القدس بر او پدیدار گشت و به او قول داد او و تمامی همراهانش را سلامت به ساحل خواهد رسانید و همین اتفاق هم افتاد.

پس پولس را برای محاکمه با کشتی به ایتالیا بردند. در طی راه کشتی صدمه دید و پولس میبوی شد زمستان را در جزیره مَلِیْطَه یا مالتا به سر برد. سرانجام وقتی که به روم رسید دو سال در قانهای که برای او گمراه کرده بودند ماند. با آن که تحت نگهبانی سربازان بود، همچنان غیورانه به کسانی که به دیدنش می آمدند در باره پادشاهی فدا موعظه می کرد. (۱۰)

پولس رساله به فلیمون و کولسیان را در آنجا می نگارد. چون هیچ شاهدی برای زندانی کردن او نبود، وی را آزاد می نمایند. پس از آزادی نامه اول تیموتائوس و تیتوس را نگاشت و به آسیای صغیر و شرق اروپا سفر نمود.

به سبب آتش سوزی در شهر روم، نرون پادشاه روم به مسیحیان مشکوک گشت و آنان را مورد آزار قرار داد. پولس نیز دستگیر و دوباره به زندان انداخته شد.

دومین نامه به تیموتائوس را در آن زمان نگاشت و این آخرین دست نوشته پولس است.

پولس حدود سال ۶۶ پس از میلاد، توسط نرون به قتل رسید و این تاریخ چهار سال قبل از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی است.

سرانجام پولس، پس از سی سال و اندی تبلیغ مسیحیت و رساندن خبر خوش ملکوت خداوند به غیر یهودیان، ماموریتی غیر ممکن را ممکن ساخت و جان خود را همانند دیگر رسولان فدای مسیح خداوند و تحقق ملکوت او نمود.

## معجزات پولس



پولس، همچون دیگر رسولان معجزات زیادی در دوران رسالت خود به انجام رسانید. عیسی بدو و دیگر شاگردان و رسولان قدرت انجام معجزات خارق العاده و رساندن فیض خود را اعطا کرده بود. تعدادی از معجزات پولس به نقل از اعمال رسولان در زیر آورده شده است.

- ۱- پولس در قونیه معجزات بسیار می‌کند و عده کثیری به مسیح ایمان می‌آورند (۱۱).
- ۲- در لستره شفای افلیج مادرزاد باعث می‌شود تا عده کثیری پولس را خدا بدانند (۱۲).
- ۳- گزارش معجزات و نشانه‌های انجام شده توسط پولس، مسیحیان یهودی نژاد را متقاعد می‌کند که کار پولس در میان امتهای، منشاء الهی دارد (۱۳).
- ۴- در فیلیپی، پولس کنیزی را که روح غیبگویی داشت، شفا می‌دهد و زلزله‌ای سبب ایمان آوردن زندانبان می‌شود (۱۴).
- ۵- در افسس، ۱۲ نفر به زبانها سخن می‌گویند و معجزات انجام شده توسط پولس باعث می‌شود که کلام خدا ترقی نماید (۱۵).
- ۶- در ترواس، پولس جوان مرده‌ای را زنده می‌کند (۱۶).
- ۷- در جزیره مالت دست پولس از گزند افعی در امان می‌ماند (۱۷).  
به همین دلیل اهالی آنجا، تصور می‌کنند که او خداست. پولس همه افراد مریض آن منطقه را شفا می‌بخشد (۱۸).

## یاران پولس



پولس با شور و حرارتی وصف ناشدنی، مسیحیت را تبلیغ می‌کرد. او برای رساندن پیام مسیح خداوند به شهرهای زیادی سفر نمود و در بسیاری از شهرها توانست گروه‌هایی را به خود جذب نماید و کلیساهایی در آن شهرها بنا کند. در مسافرت اول، برنابا و مرقس همسفر او بودند؛ اما در سفر دوم، از برنابا جدا شد و شخصی به نام سیلاس را

با خود برد. در همین سفر، پولس با لوقا آشنا شد و احتمالاً تیموتائوس نیز در همین سفر با او بود. با هم یاران او را کمی بیشتر خواهیم شناخت.

### برنابا؛

در زمان رسولان به مسیحیت گروید، از علایق دنیوی برید و مبلغ مسیحیت گشت. او اگرچه از دوازده حواری نبود، اما به درجه رسولی رسید و یکی از دو نفری بود که پولس، انجیل خود را به وی عرضه داشت.

در کلیسای نخستین، سهم بسیار مهمی داشت و بانی کلیسای برنابای قدیس در قبرس بوده است. همچنین کلیسای میلان برای تأکید بر استقلال خود، بعدها ادعا نمود که برنابا، بنیانگذار آن بوده است. کلیسای اورشلیم، او را برای تبلیغ و ارشاد در انطاکیه برگزید و این، نشانه موقعیت ممتاز او در آن زمان بوده است. برنابا، پولس را پس از مکاشفه، نزد رسولان به اورشلیم برد و به شاگردان معرفی کرد، سپس او را از تارسوس به انطاکیه برد و یک سال همراه وی مردم را تعلیم می داد. سپس برنابا و پولس به شهرهای مختلف آسیای صغیر رفتند و به موعظه پرداختند. بسیاری از مردم به آنان متمایل گشتند، اما کسانی نیز بارها با ایشان مخالفت نمودند. پس از بازگشت از انطاکیه، مدت مدیدی با شاگردان به سر بردند و در پی اختلافاتی با یهودیان و پس از منازعه و مباحثه بسیار، برنابا، همراه با پولس و چند تن دیگر برای حل مسئله، نزد

رسولان و کشیشان اورشلیم رفتند. در بازگشت، برنابا و پولس در انطاکیه توقف کردند و به تبلیغ ادامه دادند.

در سفر مجدد به آسیای صغیر، برنابا می‌خواست یوحنا ی ملقب به مرقس یعنی عموزاده‌اش را همراه ببرد، ولی پولس، به دلیل این‌که مرقس، در سفر قبلی در پمفیلیه از ایشان جدا شده بود، به این کار راضی نشد. از اینرو نزاع سختی درگرفت و در پی آن برنابا و پولس از هم جدا شدند. برنابا با مرقس از راه دریا به قبرس سفر کرد و از آن زمان، زندگی او در ابهام فرو رفت. اگر چه پولس در دو جا از او یاد می‌کند، اما احتمال می‌رود که دیگر آن دو با هم کار نکرده باشند. سرانجام او در قبرس بقتل رسید.

### لوقا:

لوقا، "پزشک محبوب" (به نقل از کولسیان ۴:۱۴) و تاریخ‌شناس، از اولین مسیحیان غیر یهودی بود که سومین انجیل و نیز کتاب اعمال رسولان را نگاشت و تنها نویسنده غیر یهودی عهد جدید است. او پزشک یونانی و همکار پولس بود و نام او در سه رساله عهد جدید ذکر گردیده است. او ختنه شده بود و تنها یار پولس در دوره زندانی شدن او بود. به عنوان یک تاریخ‌نویس، او بیان می‌دارد که این تمایل اوست که امور زندگی مسیح خداوند را بر پایه گزارشات شاهدان عینی به ترتیب تالیف کند. (لوقا ۴-۱)

انجیل لوقا، طولانترین انجیل است و تنها انجیلی است که مخاطبی مشخص دارد، یعنی "عالیجناب تئوفیلوس". بیشتر محققان بر این اعتقادند که تئوفیلوس یکی از مقامات بلندپایه رومی بوده است. هدف لوقا از نوشتار انجیل این بود که تئوفیلوس و احتمالاً سایر دوستان ایماندارش، در تعالیمی که پیشتر یافته بودند، استوار گردند. در میان نوشته‌های کتب عهد جدید، دو اثر لوقا، یعنی انجیل او و کتاب اعمال رسولان، از سبکی ادبی و بسیار شیوا برخوردار بوده، دارای واژگانی بس غنی و متنوع است. لوقا آثار خود را چنان هنرمندانه به رشته تحریر درآورده که ضمن ارائه اطلاعات دقیق تاریخی، مطالعه آنها برای خواننده بسی جذاب است. انجیل لوقا به مسائل خاصی توجه دارد که ویژه همین انجیل است، از آن جمله: غیریهودیان؛ زنان، که در آن زمان جایگاهی حقیر در جامعه داشتند؛ گناهکاران و مطرودین جامعه؛ مسئله فقر و ثروت؛ موضوع دعا و روح القدس. انجیل لوقا تنها انجیلی است که وقایع زندگی زمینی مسیح خداوند را به کمال، از تولد تا صعودش به آسمان بازگو می‌کند. لوقا اغلب به مسیح خداوند به عنوان "پسر انسان" اشاره می‌کند و بر جنبه انسانی زندگی او تأکید می‌کند.

سرانجام لوقا، در سال ۸۴ میلادی در بواتیه یونان درگذشت.

**مرقس:**

مرقس یا سن مارکو به معنی «چکش بزرگ» که نام عبرانی اش یهوذا بود، از پیروان عیسی (اما جز حواریون مسیح خداوند نبود) و از نخستین مسیحیان بود.

مادرش مریم از اعضای هیکل اورشلیم بود. مرقس در اورشلیم می‌زیست و در آن شهر خانه‌ای داشت که محل اجتماع مسیحیان بود.

هنگامی که عیسی از شهر به شهر و روستا به روستا می‌گشت تا کسانی را که زیر دردهای زندگی می‌نالیدند، آسایش و آرامش بخشید، مرقس نوجوانی بیش نبود. ولی پس از چندی او با شاگرد معروف عیسی، پطرس آشنا گشت.

او در حادثه دستگیری عیسی فرار کرد و رسولان او را با سبوی آب ملاقات کردند. زمانی که پولس و برنابا، بعد از دیدارشان از اورشلیم، به انطاکیه بازگشتند، مرقس نیز آن‌ها را همراهی کرد. در سفر نخست پولس و برنابا، مرقس دستیار و مشاور پولس بود. اما آنها را در پمفیلیه ترک گفت و به اورشلیم بازگشت. همانگونه که پیشتر بیان شد، پولس با همراهی مرقس، در دومین سفر بشارتی مخالفت کرد و برنابا از همکاری با پولس دست برداشت. برنابا مرقس را برداشت و به سمت قبرس رفت. در نامه پولس به کولسیان که از روم نوشته شد، پولس از طرف مرقس سلام رساند و از کولسیان خواست که اگر مرقس به نزدشان آمد، او را به گرمی بپذیرند. پولس در سالهای پایانی عمر خود، مرقس را از نیکان دانست و اعتماد خود را نسبت به او بیان داشت. او نویسنده دومین

انجیل بود، انجیل مرقس کمی قبل از ویرانی اورشلیم، یعنی در سال ۶۰ پس از میلاد نگاشته شده است. مرقس پس از نگاشتن انجیل، برای تبلیغ مسیحیت به اسکندریه مصر رفت تا آنان را از پرستش بت‌های باستانی‌شان بازدارد. در سال ۶۷ میلادی، مصریان او را به قتل رساندند و پیکرش را سوزاندند.

### سیلاس:

سیلاس یا سیلوانوس، یکی از اعضای برجسته مسیحیت نخستین بود که در بخش‌هایی از سفرهای تبلیغی اول و دوم با پولس همراه بود. اولین رساله پطرس از سیلاس بعنوان برادر امین یاد می‌نماید. (۱۹) او در سفرهای متعدد به پولس در تعلیم ایمان مسیحیت به نوکیشان آن روزگار کمک می‌نمود. در اعمال رسولان از انتخاب او توسط شورای اورشلیم در کنار پولس و برنابا نقل می‌شود. (۲۰) پولس برای دومین سفر خود او را انتخاب نمود، البته بعد از آن که از برنابا جدا گشت. اسم او بارها در کتاب اعمال رسولان در کنار پولس آورده شده است. روز ۲۶ ژانویه و ۱۳ جولای و ۱۰ فوریه روز بزرگداشت او و تیموتائوس و تیتوس در چند کلیسای معروف دنیا جشن گرفته می‌شود. (۲۱)

### تیموتائوس:

تیموتائوس از شاگردان جوان پولس بود که در اغلب سفرهای پولس با او همراه بوده است. تیموتائوس از اهالی لستره و پدر او یونانی و مادرش زنی یهودی به نام افنیکی و مادر بزرگش لوئیس بوده که پولس، آنان را ایمانداران بی ریا می‌خواند. برای اولین بار، نام تیموتائوس در کتاب اعمال رسولان زمانیکه برای دومین بار پولس به لستره سفر می‌نماید، به چشم می‌خورد، که احتمال زیاد در اولین سفر پولس به آنجا، ایمان آورده بوده است. پس از آنکه وی را به سبب آنکه قرار بود در میان یهودیان فعالیت نماید، ختنه کردند و سپس پولس، او را همراه با خود برد. تیموتائوس توسط سایر کشیشان دست گذاری گشت. وی دارای عطایایی بوده که از وی خواسته می‌شود به بهترین شکل از آنها استفاده نماید. تیموتائوس همراه با پولس و سیلاس به بیریه رفته و پس از آنکه پولس آنجا را ترک گفت، وی آنجا ماند و سپس در آتن به پولس پیوست. تیموتائوس از آتن به تسالونیکه رفته و از آنجا به قرنتس نزد پولس بازگشت. وی در قرنتس همراه با پولس و سیلاس موعظه می‌نمود. در افسس، پولس، وی را مامور بردن اولین نامه خود به کلیسای قرنتیان می‌نماید. تیموتائوس، پس از آن دوباره به افسس بازگشته و همراه با ارسطوس به مقدونیه فرستاده می‌شود و سپس پولس نیز به آنها می‌پیوندد. بهنگامی که پولس، برای اولین بار در روم زندانی می‌شود، تیموتائوس نیز همراه وی، مدتی در زندان بسر برده است. پولس پس از آزادی از زندان در ترواس به تیموتائوس و سایرین پیوست و تیموتائوس

را مسئول کلیسای افسس نمود. زمانیکه پولس در نوبت دوم در روم زندانی می‌شود، از تیموتائوس می‌خواهد هر چه زودتر به وی ملحق شده و بعضی از لوازم شخصی او را همراه خود بیاورد. پس از آن دیگر در کتاب مقدس از تیموتائوس اسمی برده نمی‌شود. در مورد مرگ وی، گفته می‌شود که وی به شهادت رسیده است.

### اپفراس:

خادم امین مسیح خداوند بود. او از سوی مسیح خداوند، قدرت و تسلط روحانی به جهت موعظه انجیل را دریافت نموده بود. اپفراس، هم خدمت پولس بود. مفسرین کلام معتقدند که پولس به اپفراس، ماموریت تاسیس کلیسای کولسیان را محول نموده بود. (۲۱)

اپفراس به پولس خبر داده بود که کولسیان در روح القدس یکدیگر را محبت می‌کنند (۲۲).

پولس در مقدمه نامه به فیلیمون از اپفراس چنین یاد می‌کند:

*اپفراس که در مسیح عیسی همزندان من است و مرقس و ارسترفس و دیماس و لوقاهمکاران من تو را سلام می‌رسانند.*

### تیتوس:

تیتوس از مسیحیان غیریهودی، همکار و دوست پولس در فعالیت‌های بشارتی او بود.

به او در کتاب اعمال رسولان اشاره‌ای نشده ولی در رساله دوم قرن‌تیان، غلاطیان، دوم تیموتائوس و تیتوس (حین رساله) اشاره گشته است. وی واعظ مسیحی معروف یونانی الاصل بود که تحت تأثیر موعظه پولس، ایمان آورد و در هنگامی که پولس و برنابا از انطاکیه به اورشلیم می‌رفتند وی به خاطر اینکه پدر و مادرش یهودی نبودند بدون قبول کردن ختنه، به پولس و برنابا ملحق گشت. وی بعد از آن به قرن‌تس فرستاده شد.

وضعیت معنوی در قرن‌تس بسیار ناامید کننده بود و در کلیسا شقاق وجود داشت. تیتوس، سه بار از قرن‌تس دیدار کرد و دو بار برای مقدسان اورشلیم، هدایا جمع‌آوری نمود و بعد از اولین زندانی شدن پولس، وی را به کریت برد و وی را در آنجا مسئول سازماندهی کلیسا نمود.

عقیده عمومی بر آن است که پولس، پس از آزاد شدن از زندان روم (بار اول)، در حدود سال ۶۳ میلادی به مشرق بازگشت که کریت هم جزو آن بود. پولس، پس از رسیدگی به اوضاع کلیساهای کریت به نیکوپولیس، واقع در غرب یونان رفت. در این هنگام، ارتیماس و تیخیکس جانشین تیتوس می‌شوند و او بدین ترتیب دوباره به پولس ملحق شده و به نیکوپولیس می‌رود.

بعد از آن تیتوس در ماموریتی به دلماطیه (یوگسلاوی جدید) می‌رود. این آخرین خبری است که درباره او در عهد جدید می‌شنویم.

شواهد نشانگر آنست که دوباره به پولس ملحق شده بود و هنگام دستگیر شدنش نیز با او بود و او را تا روم همراهی نمود اما معلوم نیست که تیتوس در لحظه کشته شدن پولس در کنار وی بوده است یا خیر؟ کلیسای مخروبه‌ایی در خطی کارتینا که در کریت واقع است که به اسم او موسوم است. طبق نقلها، هنگامی که اهل ونیز بر اهل کریت حمله می‌کنند اسم وی شعار کریتیان بوده است. بر حسب روایات تیتوس بعدها اسقف کریت شد و چند سال بعد در سن پیری در گذشت.

## چرا عیسی، پولس رسول را انتخاب کرد؟



عیسی، دوازده حواری را برای رسانیدن پیام خویش به جهانیان بر روی زمین اختیار کرد اما چرا به غیر از این دوازده نفر به شخص دیگری در همان رده نیاز داشت؟

این یک سوال مهم در مطالعات عهد جدید می باشد. اهمیت این پرسش به حدیست که عده ای از انجیل شناسان، ادعا می کنند که اگر کسی جواب این پرسش را بداند انجیل را کاملاً درک نموده است. (۲۳)

"دان سامدال" در مقاله "چرا پولس" می نویسد:

هنگامی که عده زیادی از یهودیان به نقشه نجات خداوند از طریق مسیح خداوند اهمیت نمی دهند، برکت خداوند برای غیر یهودیان بعنوان نقشه جدید برای جهانیان آشکار گشت که قبلتر خدای پدر با ابرهیم عهد بسته بود.

در کتاب مقدس در این خصوص چنین آمده است:

این است فادرم من که از او حمایت می‌کنم و برگزیده من که بانم از او فشنود است. من روح خود را بر او می‌نهم، و او عدالت را در حق قومها باری فواهر سافت. (۲۴)

اما، چگونه غیر یهودیان برکت داده شدند وقتی یهودیان از پذیرش مسیح خداوند سرباز زدند؟ چگونه ماموریت بزرگ به نقل از انجیل متی که عیسی به حواریون بخشیده بود می توانست برای غیر یهودیان تحقق پیدا کند؟

با هم نگاهی به این ماموریت بزرگ (حکم اعظم) می اندازیم:

آنگاه آن یازده شاگرد به جلیل، بر کوهی که عیسی به ایشان فرموده بود، رفتند. چون در آنجا عیسی را دیدند، او را پرستش کردند. اما بعضی شک کردند. آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. پس بروید و همه قومها را شاگرد

سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این دنیا با شما هستم. (۲۵)

همانگونه که در این ماموریت می خوانیم تمامی اقوام دنیا بایستی مژده نجات مسیح خداوند را توسط رسولان و پیروان او بشنوند و آنها در نام مقدس خدای پدر، پسر و روح القدس تعمید گیرند و تولد تازه یابند. ولی یهودیان از جانب خدا مبعوث شده بودند تا پیام نجات خداوند را به دیگر اقوام غیر یهودی و جهانیان برسانند (به نقل از اعمال رسولان باب ۷-دادگاه استیفان)

وقتی مشخص گشت که آنها از این فرمان سرپیچی نمودند خداوند، کاری غیر قابل پیش بینی از دید یهودیان، صورت داد. او شائول تارسوسی را از جهل و بی خبری محض نجات داد و بر او پدیدار گشت و او را بعنوان رسول خود برگزید. در نتیجه پولس رسول، پیام رستگاری مسیح خداوند را برای امت غیر یهود در سرزمین های غیر یهودی برد و مژده نجات را به گوش تمام جهانیان و امتهای رسانید. پولس در قرنیتیان اول چنین می نگارد:

آخر از همه بر من نیز، چون طفلی که غیرطبیعی یا بی موقع زاده شده باشد، ظاهر گردید. (۲۶)

او ۱۲ رسول را بر روی زمین برای رسانیدن خبر خوش انجیل انتخاب کرده بود اما پولس را از ملکوت انتخاب نمود. پیام رسانی پولس بر دوازده تن دیگر ارجحیت داشت. مژده نجات به تمامی جهانیان فارغ از رنگ پوست، نژاد، کشور و مرز....

عیسی به او ماموریتی بزرگ اعطا کرد تا جدا از یهودیان و دوازده رسول برگزیده به او خدمت کند. (۲۷،۲۸،۲۹،۳۰)

خداوند به حنانیا گفت:

برو، زیرا که این مرد ظرف برگزیده من است تا نام مرا

نزد غیر یهودیان و پادشاهانشان و قوم اسرائیل ببرد. (۳۱)

از نجات پولس تارسوسی توسط عیسی، بعنوان مهمترین رخداد کتاب اعمال رسولان یاد می شود. در اعمال رسولان، سه بار داستان نجات پولس رسول نقل می گردد و این اهمیت آن را دو چندان می نماید گویی مسیح خداوند، خواهان این بوده تا این پیام را به ما چند بار گوشزد نماید. (۳۲)

زمانی که مسیح خداوند، پولس را انتخاب نمود یک ماموریت کاملاً جدید را آفرید، یعنی برکت غیر یهودیان توسط پولس رسول.

پولس در رومیان این چنین می نگارد:

ای برادران، نمی فواهم از این راز غافل باشید مبادا خود را دانا پندارید که سفتدلی بر بفتی از اسرائیل حکمفرما شده است، تا وقتی که شمار

کامل غیریهودیان داخل کردند. و این چنین تمامی اسرائیل نجات فواید یافت. چنانکه نوشته شده است:

رهاننده از صهیون فواید آمد

و بی‌دینی را از یعقوب بر فواید انداخت.

و این عهد من با ایشان فواید بود

هنگامی که گناهانشان را بزدایم.

به لحاظ انجیل، به خاطر شما، دشمن اند؛ اما به لحاظ گزینش الهی، به خاطر پدران، محبوب فرایند. زیرا خدا هرگز عطایا و دعوت خود را بازپس نمی‌گیرد. درست همان‌گونه که شما زمانی نسبت به خدا نافرمان بودید، اما اکنون در نتیجه نافرمانی ایشان رحمت یافته‌اید، ایشان نیز اکنون نافرمان شده‌اند تا در نتیجه رحمت خدا بر شما، [اکنون] بر ایشان نیز رحمت شود. زیرا خدا همه را در بند نافرمانی نهاده، تا بر همگان رحمت کند. (۳۳)

پولس اذعان می‌دارد سخت‌دلی یا بی‌بصیرتی اسرائیل، راز بزرگی می‌باشد که خداوند آن را بعنوان همسر این قوم، نادیده گرفته بود. او می‌خواست به یکباره برای یهودیان و غیر یهودیان در یک دم طرحی نو بیندازد (کلیسا). ایده برابری کامل یهودیان و غیر یهودیان کاملاً خارج از ذهن قوم یهود بود. زمانی که در عهد قدیم ماموریتی برای یهودیان در برکت غیر یهودیان داده نشد و در عهد جدید نیز هیچ بشارتی توسط پطرس و یازده تن دیگر داده نشد، ناگهان این ماموریت خاص به پولس سپرده شد، ماموریتی خاص برای شخصی خاص.

پولس در کلام مذکور، بیان می‌نماید که این سخت‌شدگی قلب یهودیان و قوم بنی اسرائیل، راه را برای فیض مسیح خداوند و مژده نجات به غیر

یهودیان باز نمود. تاسیس کلیسا و مژده نجات، آن هم با قربانی شدن بدن مسیح خداوند. بعد از آن دوباره خداوند یهودیان را نجات خواهد داد و این عهدیست که خداوند با آنان بسته بود.

پولس رسول در باب دوم رومیان پرده بر می دارد که چگونه بسیاری از یهودیان نسبت به خدا بی وفایی نشان داده اند. ولی بی وفایی بنی اسرائیل دلیل نمی شود که خدا نسبت به آنها وفادار نماند. پولس رسول، موکداً اذعان می نماید که بی وفایی قوم یهود هرگز منتج به بی وفایی و بد عهدی خداوند نخواهد گردید.

ولی این بی وفایی قوم یهود چه بود و چگونه مشخص گشت؟ یکی از مهم ترین جنبه های این بی وفایی، بی توجهی ایشان به پیشگویی های انبیای خداوند و وعده های الهی در رابطه با مسیح موعود بود. زمانی که مسیح خداوند به میان یهودیان آمد، ایشان او را نپذیرفتند. ولی به همانگونه که ندیدن نور بوسیله یک نابینا، از نورانی بودن نور چیزی نمی کاهد، به همین صورت، صرف ناباوری یهودیان به وعده های خدا، آن پیشگویی ها و وعده ها را باطل نمی سازد.

نتیجه اینکه، همه یهودیان پیام نجات و فیض را دریافت خواهند کرد. هر یهودی و هر کسی که به مسیح خداوند ایمان بیاورد و او را بعنوان یگانه منجی خود و پسر خدا بپذیرد، نجات را دریافت خواهد کرد.

پطرس برای ساکنان اورشلیم، یهودیان و اسرائیلیان موعظه می کند. (۳۴) او به بنی اسرائیلیان گوشزد می کند که خداوند به عهد خود با شما وفادار مانده است و از بی ایمانی آنها و گناهانشان گذشت می کند. پطرس این موعظه را در کمال صداقت بیان می کند اما شرط خداوند، پذیرش مسیح خداوند و ایمان به نجات توسط مسیح خداوند می باشد. این موعظه را مسیح خداوند در متی باب ۲۳ آیه ۳۷ تا ۳۹ چنین بیان می کند:

ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای قاتل پیامبران و سنگسارکنندهٔ رسولانی که نزد تو فرستاده می شوندا چند بار فواستم همچون مرغی که بوبه‌هایش را زیر بالهای فویش جمع می‌کند، فرزندان تو را گرد آورم، اما نفواستی! اینک قائمۀ شما به فودتان ویران واکزاشته می‌شود. زیرا به شما می‌گویم که از این پس مرا نفواهدید دید تا روزی که بگویند: «مبارک است آن که به نام فراوند می‌آید». (۳۵)

مسیح خداوند می آید و شما نجات خواهید یافت.

### ماموریت بزرگ پولس

خداوند به پولس در رومیان باب ۱۱ آیه ۱۳ ماموریتی بزرگ اعطا کرد، نجات غیر یهودیان. اما دوازده حواری ماموریتی برای مژده نجات به غیر یهودیان نداشتند. بدنبال برپایی شورای اورشلیم پولس و دوازده حواری

با یکدیگر بر سر پیمان نامه ای به توافق رسیدند که آن دوازده نفر برای امت یهود موعظه کنند و پولس به تنهایی برای غیر یهودیان (۳۶) همانگونه که پولس می گوید: ایشان دریافتند که وظیفه رسانیدن انجیل به غیریهودیان به من سپرده شده است، همانگونه که وظیفه رسانیدن انجیل به یهودیان به پطرس سپرده شده بود. زیرا او که از طریق پطرس چون رسول یهودیان عمل کرد، از طریق من نیز چون رسول غیریهودیان عمل نمود.

و دوباره در زمانی دیگر پولس ماموریت خود را در رساندن اعلام بشارت فیض عیسی به غیر یهودیان اعلام می دارد.

*اما جان را برای خود بی ارزش می انگارم، تنها اگر بتوانم دور خود را  
به پایان رسانم و فرمتی را که از خداوند عیسی یافته ام، به کمال  
انجام دهم، فرمتی که همانا اعلام بشارت فیض خداست. (۳۷)*

کافیست نگاهی دقیق به اعمال رسولان بیندازیم ۱۵-۹، ۲۷-۱۴، ۳-۱۵، ۶-۱۸، ۱۹-۲۱ و رومیان ۱-۱۳، ۱۱-۱۳، ۱۵-۱۶ و غلاتیان ۸-۷ و تیموتائوس یکم ۲-۷، تیموتائوس دوم ۱۷-۴. آیا همه این نشانه ها یک چیز را بیان می کنند؟ هرگز این گونه نیست.

اما در شورای اورشلیم، به نقل از اعمال رسولان باب ۱۵ می بینیم بحث اصلی در این شورا به شور گذاشتن رعایت قوانین شریعت موسی برای نوکیشان بود (طرح سؤال درباره مختون شدن مسیحیان غیر یهودی) که اعضای این شورا، از پولس رسول حمایت کردند.

این سؤال در حدود سال ۵۰ میلادی یعنی ۲۰ سال پس از تأسیس کلیسا و احتمالاً ۱۰ سال پس از پذیرش غیر یهودیان به کلیسا، مطرح گردید. اگرچه خدا واضحاً به پطرس مکشوف ساخته بود که مسیحیان غیر یهودی بایستی بدون عمل ختنه در کلیسا پذیرفته شود (باب دهم اعمال رسولان) و از طرف دیگر رسولان و بزرگان کلیسا نیز در این امر متقاعد شده بودند، ناگزیر گروهی از مسیحیانی که قبلاً جزو فریسیان بودند، در این امر که مسأله ختنه ضروری است، اصرار می‌ورزیدند. همین امر باعث گشت تا شورایی جهت رفع این موضوع و پاسخ به این سؤال ایجاد گردد.

در این شورا، خدا رسولان را در جهت هدایت نمود که بتوانند به نتایج قابل توجهی مبنی بر اینکه عمل ختنه برای مسیحیان غیر یهودی ضروری نیست، برسند.

پولس اذعان داشت مسیح خداوند برای نجات ما مرد و دوباره از مرگ برخاست.

و اما، ای برادران، اکنون می‌فواهم انجیلی را که به شما بشارت دادم به یارتان آورم، همان انجیل که پذیرفتید و بدان پایبندید و به وسیله آن نجات می‌یابید، به شرط آنکه کلامی را که به شما بشارت دادم، استوار نگاه دارید. در غیر این صورت، بیهوده ایمان آورده‌اید.

زیرا من آنچه را که به من رسید، چون مهمترین مطلب به شما سپردم؛ اینکه مسیح مطابق با کتب مقدس در راه گناهان ما مرد، و اینکه دفن شد، و اینکه مطابق با همین کتب در روز سوم از مردگان برخاست. (۱۳۸)

از تکتک واژگان کتاب مقدس در می یابیم که هدف خداوند برای همگان همانا نجات ابدی است و این نقشه به واسطه رسولانی چون پولس، پطرس، یوحنا و... به انجام رسیده و خواهد رسید. (۳۹)

## نامه‌های پولس



پولس، با نامه‌های خود مسیحیان را تقویت کرد. اولین جماعت مسیحی‌ای که تشکیل شد، نقش مهمی در تحقق مقصود خداوند داشت. از آنجایی که مسیحیان قرن اول، به سرعت مورد تهاجم دشمنان قرار گرفتند، خطر نابودی، آن جماعت را تهدید می‌کرد. مسیحیان، چگونه می‌توانستند با وجود اذیت و آزارهای بیرون جماعت و خطرات

نامحسوس درون جماعت به خدا پای‌بند بمانند؟ برای نصیحت و تشویق آن‌ها، ۲۱ نامه نگاشته شد.

سیزده تا از این نامه‌ها قطعاً، نامه‌هایی است که پولس نگاشته است که عده ای به آنها انجیل پنجم می‌گویند. این نامه‌ها به نام گیرنده‌های خود نامیده شدند. حال، چه گیرنده آن جماعت خاصی بود چه شخص خاصی در جماعت. لازم به توضیح است برخی از انجیل‌شناسان، نوشتار نامه عبرانیان را به پولس نسبت می‌دهند اما در این زمینه اجماعی وجود ندارد.

شایان ذکر است که از رساله‌های پولس رسول به عنوان منابع مهم ایمان مسیحی در کلیسا استفاده می‌شود.

نامه‌های پولس رسول را میتوان به سه قسمت تقسیم کرد:

نامه‌های اصلی: رساله به رومیان، اول و دوم قرنتیان، اول و دوم غلاطیان و تسالونیکیان

نامه‌هایی که در اسارت نگاشته است: رساله به فیلیپیان، کولسیان، افسسیان و فلیمون

نامه‌هایی که برای شبان کلیساها نگاشته است: رساله اول و دوم به تیموتائوس و تیتوس

پولس، همواره ایمانداران را تشویق می‌کرد که نامه‌هایش را در جمع بخوانند، (اول تسالونیکیان ۲۷-۵) و آنها را منتقل کنند (کولسیان ۱۶-۴).

نامه‌هایی که پولس نوشته است رابه ترتیب بررسی می کنیم:

## رومیان؛

### تاریخ نگارش: ۵۷ م، محل نگارش: شهر قرنتس

پولس برآن بود که از کلیسای شهر روم دیدار کند، ولی پیش از آن می‌بایست به معرفی خود و اعتقاداتش می‌پرداخت. نگارش این نامه راه را برای سفر پولس به روم هموار می‌کرد. مقصود پولس آن بود که مدتی در خدمت مسیحیان آن شهر باشد و سپس با کمک و پشتیبانی آنان رهسپار اسپانیا شود. او در این نامه به تشریح درک خود از ایمان مسیحی و چگونگی کاربرد این ایمان در زندگی عملی و روزمره می‌پردازد. این رساله، پیام پولس را به جامع‌ترین شکل عرضه می‌دارد.

موضوع اصلی این نامه، نقشه نجات خدا و چگونگی پارسا شمرده شدن انسان‌ها است، خواه یهودیان و خواه اقوام غیریهود (۱۷-۱). برای تشریح این موضوع، پولس به بحث درباره نکات مهمی نظیر گناه، فیض، ایمان، تقدس، امنیت ایمانداران و رابطه یهودیان و غیریهودیان در نقشه نجات خدا می‌پردازد. این نامه، نظام‌مندترین اثر پولس است زیرا بیشتر به رساله‌ای الهیاتی و دقیق شباهت دارد تا نامه. در آن، پولس بیش از سایر نامه‌های خود از کتب عهد عتیق نقل قول کرده‌است (بخصوص در فصل‌های ۹ تا ۱۱). همچنین در این نامه است که پولس، دیدگاه مسیحی

را درباره وضعیت کنونی قوم اسرائیل و رستگاری آنان تشریح می‌کند. این رساله بانفوذترین رساله ی پولس است. در رومیان، از باب ۱ آیه ۱ تا باب ۵ آیه ۱۱ در مورد مساله الهیاتی عادل شمرده شدن یک گناه کار صحبت به میان می‌آید که چطور یک گناه کار میتواند عادل شمرده شود و بخشیده شود. از باب ۵ آیه ۱۲ تا باب ۸ آیه ۳۹ به تقدس ایمان داران پرداخته می‌شود که این جنبه الهیاتی رساله رومیان است. جنبه عملکرد خدا در دوران خاص به خصوص با قوم اسرائیل را در بابهای ۹ تا ۱۱ می‌بینیم که در باب ۹، کار خدا را در تاریخ گذشته اسرائیل، باب ۱۰، تاریخ کار خدا در زمان حال با اسرائیل و باب ۱۱، کار خدا در آینده با بنی اسرائیل خواهد بود. از باب ۱۲ به بعد وظایف یک ایماندار مسیحی را می‌بینیم. باب ۱۲ و ۱۳ خدمت و وظایف مسیحی به نوشتار در آمده است. باب ۱۴ تا ۱۶ درباره زندگی یک مسیحی در جدا و متمایز بودن از مردم دنیاست.

## اول قرن‌تیان؛

### تاریخ نگارش: ۵۶ م، محل نگارش: شهر افسس

شهر قرنتس مرکز ایالت آخائیه در امپراتوری روم بود و یکی از شهرهای مهم یونان محسوب می‌شد. ترکیبی از نژادهای مختلف در قرنتس زندگی

می‌کردند. این شهر دارای اقتصادی شکوفا بود، و مردمانش به فرهنگ خود می‌بالیدند. ولی فساد اخلاقی آنها زبانزد همگان بود و به لحاظ دینی نیز به آرا و عقاید گوناگون اعتقاد داشتند. کلیسای قرن‌تس را پولس بنیان گذارده بود. او از طریق برخی مسیحیان شهر اطلاع یافت که مشکلاتی در کلیسا پیش آمده‌است. نامه‌ای نیز از کلیسا به دستش رسید که در آن سؤالاتی در خصوص ایمان و عمل مسیحی مطرح شده بود. قصد پولس از نگارش این نامه، رسیدگی به این دو دسته موضوع است. لذا در قسمت‌هایی از نامه می‌کوشد راهنمایی‌هایی برای رفع مشکلات گزارش شده ارائه دهد (۱۰-۱ تا ۲۰-۶)، و در قسمت‌هایی دیگر نیز به پاسخگویی به پرسش‌های کلیسای قرن‌تس می‌پردازد (۱-۷ تا ۵۸-۱۵). از جمله مشکلات اصلی مطرح شده در این نامه، می‌توان به تفرقه، فساد اخلاقی در کلیسا، سؤالاتی پیرامون مسائل جنسی و ازدواج، موضوعات مربوط به وجدان، نظم و ترتیب در کلیسا، عطایای روح القدس و موضوع قیامت مردگان اشاره کرد. پولس با بصیرتی عمیق نشان می‌دهد که چگونه انجیل به این سؤالات پاسخ می‌گوید. باب سیزدهم که احتمالاً معروف‌ترین بخش کتاب است، محبت را همچون عالی‌ترین طریق خدا برای قومش معرفی می‌کند.

از باب ۱ تا ۶ پولس، پاسخ مشکلات در کلیسای قرن‌تس را می‌دهد.

از باب ۷ تا ۱۶، پاسخ سؤالاتی که برای او فرستاده بودند را می‌دهد.

باب معروف اول قرن‌تینان، باب ۱۳ و باب معروف محبت هست. در باب سیزدهم رساله اول به قرن‌تینان می‌فرماید:

اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گویم و محبت نداشته باشم، مثل نفاس صدرهنده و سنج فغان‌کننده شده ام. اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه ی علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم به حدی که کوهها را نقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم. و اگر جمیع اموال خود را صدقه بدهم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود و محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم. محبت علیم و مهربان است. محبت مسر نمی‌کند. محبت کبر و غرور ندارد. اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود. فشم نمی‌گیرد و سوطن ندارد. از ناراستی فوشوقت نمی‌گردد ولی با راستی شادی می‌کند. در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید. در همه حال امیدوار می‌باشد و هر چیز را متمصل می‌باشد.

(۴۵)

## دوم قرن‌تینان؛

### تاریخ نگارش: ۵۷ م، محل نگارش: شهر افسس

معلمان و واعظانی دروغین به کلیسای قرن‌تس رسوخ کرده بودند که در صداقت پولس و اقتدار رسالت او تردید کرده، اتهاماتی به او می‌زدند. پولس در این رساله به دفاع از خود می‌پردازد. او اشتیاق عمیق خود را به حفظ دوستی نشان می‌دهد و شادی خود را از برقراری آشتی بیان می‌دارد.

پولس در بخش نخستین این نامه، به بررسی رابطه خود با کلیسای قرنتس می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چرا به اهانت مخالفان خود در کلیسا و ادعاهای آنها به شدت پاسخ داده‌است. سپس با شادی بیان می‌کند که لحن تندش به توبه و آشتی انجامیده‌است. پس از آن، از کلیسا می‌خواهد هدیه‌ای سخاوتمندانه برای مسیحیان نیازمند یهودیه آماده کنند. در فصل‌های پایانی، پولس به دفاع از رسالت خود در برابر اشخاصی می‌پردازد که در قرنتس در لباس رسولان واقعی ظاهر شده بودند. همین‌ها بودند که رسالت پولس را مورد تردید قرار می‌دادند.

یکی از جنبه‌های مهم این رساله آن است که از لابه‌لای گفته‌های پولس و درد دل‌های او، به شخصیت واقعی او پی می‌بریم و از صداقت و خلوص نیت او، چه در زندگی شخصی و چه در خدمت به مسیح خداوند، آگاه می‌شویم.

از باب ۱ تا ۷ پولس، در مورد خویش و زندگی خویش و حقایقی را که خدا به او یاد داده صحبت به میان می‌آورد.

از باب ۸ تا ۹، در مورد مساله دادن هدایا به کار خداوند است.

از باب ۱۰ تا ۱۳، پولس از رسالت خویش دفاع می‌کند.

**غلاطیان؛**

**تاریخ نگارش: ۵۳ م، محل نگارش: مشخص نیست**

اما در امتداد و ادامه سفر پولس به آن منطقه بود ( اعمال رسولان باب ۱۳ و ۱۴ )

با انتشار پیام انجیل بر شمار مسیحیان غیریهودی افزوده می شد و آنان در جوار مسیحیان یهودی نژاد قرار می گرفتند. این هم زیستی، سؤالی مهم برمی انگیزد: آیا شخص برای آنکه واقعاً مسیحی باشد و همچون مسیحی واقعی زندگی کند، باید شریعت موسی را اجرا کند؟ در این نامه، پولس به بررسی این سؤال می پردازد و به آن پاسخ منفی می دهد. او تأکید می کند که ایمان، یگانه بنیاد زندگی مسیحی است و تنها از طریق ایمان می توان مقبول خدا گشت و در پیشگاه او پارسا شمرده شد.

اما برخی آموزندگان به کلیساهای گالاتیا (یا غَلاطیه که یکی از ایالت های امپراتوری روم در آسیای کوچک است) آمده بودند که با این نظر پولس مخالفت می کردند و اعلام می داشتند که برای مقبول خدا بودن و زندگی در حضور او باید شریعت موسی را بجا آورد.

هدف اصلی از نگارش این نامه، تشویق مؤمنان به بازگشت به ایمان اولیه است. پولس نامه را با دفاع از رسالت خود آغاز می کند. او با جدیت بر این نکته تأکید می ورزد که رسالت او منشأ الهی دارد و هیچ مرجع انسانی او را بر این خدمت نگمارده است. پولس اظهار می دارد که مأموریت او به طور خاص، خدمت به غیریهودیان است. سپس به دفاع از این اعتقاد می پردازد که انسان تنها از طریق ایمان نزد خدا پارسا شمرده می شود. او در فصل های پایانی بیان می کند که چگونه رفتار و منش

مسیحی محصول عمل روح القدس در درون شخص و نتیجه محبتی است که از ایمان به مسیح خداوند ناشی می‌شود.

از باب ۱ آیه ۱ تا ۱۰، مقدمه این رساله هست.

از باب ۱ آیه ۱۱ تا باب ۲ آیه ۱۴، پولس در مورد تجربه های خویش و دریافت آن انجیلی را که او موعظه می کرد صحبت به میان می آورد.

از باب ۲ آیه ۱۵ تا باب ۴ آیه ۳۱، آموزه های درست مربوط به شناخت مسیح و جایگاه ایمان و عدالت که با ایمان کسب می شود و از رابطه ایماندار با مسیح بعنوان وارث صحبت به میان می آورد.

باب ۵ آیه ۱ تا باب ۶ آیه ۱۰، در مورد مسائل عملی و زندگی ایمانی در زندگی ایمانداران صحبت به میان می آورد.

از باب ۶ آیه ۱۱ تا ۱۸، نتیجه گیری و پایان رساله است.

## افسیان؛

### تاریخ نگارش: ۶۲ م، محل نگارش: شهر روم

برخلاف شماری چند از نامه های پولس، نامه به افسسیان برای اصلاح عقیده های نادرست یا مقابله با بدعت نگاشته نشده است. هدف این رساله آن است که افق دید ایمانداران را درباره نقشه ازلی و ابدی خدا و فیض او گسترش دهد تا ایشان اهداف عالی خدا را برای کلیسایش بشناسند. پولس بیان می دارد که قصد خدا آن است که همه چیز را، خواه در آسمان و خواه بر زمین، تحت فرمان مسیح گردآورد (۱۰-۱). او این موضوع را

در سه فصل نخست رساله به تفصیل شرح و بسط می‌دهد. پولس نشان می‌دهد که طرح و برنامه خدا آن است که یهود و غیریهود، هر دو در میراث الهی و در بدن مسیح خداوند شریک باشند. سپس، در سه فصل بعدی، از مسیحیان می‌خواهد که به شایستگی این مقام رفتار کنند.

پولس برای به تصویر کشیدن مفهوم اتحاد یهود و غیریهود در بدن مسیح خداوند، از صنایع بدیع استفاده می‌کند. او کلیسا را به بدنی تشبیه می‌نماید که مسیح خداوند، سر آن است و یا به عمارتی که مسیح خداوند، سنگ اصلی آن است. و باز در جایی دیگر از این رساله، کلیسا را به زوجه مسیح خداوند تشبیه می‌نماید. نویسنده با تعمق پیرامون فیض خدای پدر در مسیح خداوند، چنان در بیان استدلال خود اوج می‌گیرد که هر لحظه بر شکوه و عظمت عباراتش افزوده می‌گردد. بواقع، همه چیز در پرتو محبت، فداکاری، بخشش، فیض و قدوسیت مسیح خداوند جلوه ای خاص به خود می‌گیرد.

از باب ۱ تا ۳، در مورد برکت خدا در زندگی ایمانداران صحبت به میان می‌آورد.

از باب ۴ تا ۶، در مورد رفتار و اخلاقیات ایمانداران صحبت به میان می‌آورد.

معروفترین باب این رساله، اسلحه و زره خداست (باب ۶ از آیه ۱۰ تا ۱۸).

## فیلیپیان؛

### تاریخ نگارش: ۶۲ م، محل نگارش: شهر روم

این رساله، در ادامه مسافرت پولس به شهر فیلیپی می باشد که در باب ۱۶، اعمال رسولان به آن پرداخته می شود.

موضوع اصلی آن اتحاد ایمانداران، یگانگی در ایمان و نگاه به پاداش آسمانی برای ایماندار که به صورت و شباهت مسیح خداوند تبدیل شود و همچنین محافظت و جلوگیری از شقاق ها در کلیساست که آیه کلیدی آن، در باب ۴ آیه ۴ است که می فرماید: در خداوند، دائماً شاد باشید و باز می گویم شاد باشید.

پولس در این نامه از اهالی فیلیپ برای هدایای آنان تشکر کرده و آنها را برای ایستادگی در برابر جفاها تشویق کرده و آنها را برای شادی کردن بدون توجه به شرایط موجود فرا می خواند. این رساله نمونه ای عالی از زندگی مسیح خداوند را به تصویر می کشد.

در باب یک، پولس در مورد خود گزارشی به فیلیپیان ارائه می نماید. در باب ۲، پولس به ایمانداران فیلیپی پند می دهد که از مثال مسیح خداوند پیروی کنند که او در فروتنی، خودش را تسلیم اراده پدر آسمانی نمود.

باب ۳، مراقبت ایمانداران از تعالیم انحرافی را موعظه می نماید. باب ۴، دعوت ایمانداران فیلیپی به صلح با یکدیگر، آرامش و خوشی در خداوند را موعظه می نماید. .

از آیات معروف: باب ۲ آیه ۵ تا ۱۱، در مورد جایگاه آسمانی و عظمت خداوند مسیح خداوند صحبت به میان می آورد.  
از دیگر آیات معروف و پرفیض آن، باب ۴ آیه ۱۳ می فرماید:  
قوت همه پینز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بشد.

## کولسیان؛

### تاریخ نگارش: ۶۲ م، محل نگارش: روم

پولس هنوز به کولسی سفر نکرده بود ولی نامه را می نویسد برای اینکه به ایمانداران کولسی جلال و عظمت مسیح خداوند رو یادآوری کند و آنها را از آموزه های انحرافی دور نگاه دارد.  
موضوع آن، رد کردن بدعت کولسیان و پرداختن به اصول زندگی روحانی و اصول روابط مسیحی می باشد.  
آیه معروف در باب ۲، آیه ۱۰ که پولس می فرماید:  
و شما در وی تکمیل شده اید که سر تمام ریاست و قدرت هست.

از باب ۱ آیه ۱ تا ۱۴، پولس برای ایمانداران شهر کولسی برای ایمانداری و پایداریشان شکرگزاری می نماید.  
از باب ۱ آیه ۱۵ تا باب ۲ آیه ۳، در مورد برتری و عظمت مسیح خداوند صحبت به میان می آورد.

از باب ۲ آیه ۴ تا آیه ۲۳، در مورد وفادار و پایدار بودن به مسیح خداوند صحبت به میان می آورد.

از باب ۳ آیه ۱ تا باب ۴ آیه ۶، در مورد زندگی، افکار و تفکر مسیحی صحبت به میان می آورد.

باب ۴ آیه ۷ تا ۱۸، آخرین بیانات پولس و خداحافظی اوست.

### اول تسالونیکیان؛

#### تاریخ نگارش: ۵۰ م، محل نگارش آن مشخص نیست

احتمالاً در شهر قرنتس و در ارتباط با دیدار پولس با این ایمانداران است که در اعمال رسولان باب ۷ آیه ۱۷ به آن پرداخته می شود.

موضوع اصلی آن، بازگشت ثانویه عیسی مسیح و در این نامه پولس از مردم این شهر (تسالونیکه) می خواهد زندگی پاک و توأم با صبر و بردباری داشته باشند و در مقابل سختی ها مقاومت کنند و منتظر ظهور شکوهمند عیسی مسیح باشند. موضوع اصلی این رساله وقایع آخر زمان و بازگشت ثانوی مسیح خداوند می باشد.

هدف اصلی آن برای آینده ای که در پیش است به ایمانداران امید می دهد.

در باب ۴ آیه ۱۶ تا ۱۷، پولس به ایمانداران شهر کولسی، ایمان و امید می دهد.

پولس می فرماید:

زیرا خود خداوند با صدا و آواز رئیس فرشتگان و با صور خداوند، خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخواست، آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند رو در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود، پس بدین سفنان همدیگر رو تسلی دهید.

پس در اینجا می بینیم هدف پولس، تسلی و تشویق ایمانداران برای پایداری و امانت در انتظار بازگشت مسیح خداوند است.

در باب یک، تحسین و تمجید پولس از ایمانداران شهر تسالونیکه است. باب ۲، افکار و تجربه های خویش را بیان می نماید.

در باب ۴ از آیه ۱ تا ۱۲، تشویق ایمانداران برای پایداری و سبقت جویی در بهترین ها می باشد.

باب ۴ آیه ۱۳ تا باب ۵ آیه ۱۱، در مورد امید بازگشت به خداوند می باشد.

باب ۵ آیه ۱۲ تا ۲۸، رفتار درست مسیحی را بیان می دارد.

آیات معروف در مورد ربه شده شدن کلیساست. (باب ۴ آیه ۱۳ تا ۱۸)

## دوم تسالونیکیان؛

تاریخ نگارش: ۵۱ م، محل نگارش؛ احتمالا شهر قرنتس

موضوع اصلی این رساله همانند رساله اول، وقایع آخر زمان و بازگشت ثانوی مسیح خداوند می باشد. در مورد آمدن جفای عظیم در پایان دنیا و

مسائلی که شک و شبهه در دل ایمانداران در مورد این روزهای آخر ایجاد کرده بود.

آیه کلیدی باب ۱ آیه ۷ تا ۱۰، می باشد که می فرماید:

و شما را که از آب می کشید، با ما راحت بفرس در هنگامی که عیسی فراوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود، در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آتانی که خدا رو نمیشناسند و انجیل فراوند ما عیسی مسیح رو اطاعت نمی کنند که ایشان به قصاص هلاک باوردانی خواهند رسید و از حضور خدا و جلال قوت او هنگامی که در آید تا در مقدسان خود، جلال یابد و در همه ایمانداران از او تعجب بکنند در آن روز، زیرا که شما شعادت ما رو تصدیق نمودید.

در باب یک، سخنان تشویق آمیز به کلیسای تسالونیکی مطرح می شود.

در باب ۲، اصلاحات افکار اشتباهشان در مورد روزهای آخر و ظهور دجال و ظهور مسیح خداوند است.

در باب ۳، تشویق آنها به زندگی درست مسیحی است.

از باب ها و آیات کلیدی رساله دوم تسالونیکیان، ظهور دجال در باب ۲ از آیه ۱ تا ۱۲ می باشد.

**اول تیموتائوس؛**

**تاریخ نگارش: ۶۳.م، محل نگارش: شهر روم**

در ارتباط با تیموتائوس (یکی از شاگردان پولس)، این نامه به نگارش در آمده است.

موضوع اصلی آن، کمک به تیموتائوس در انجام وظایف خود به عنوان یک خادم و مبارزه تیموتائوس با معلمین کاذب و دروغین و در مورد دستوراتی برای اداره و سرپرستی کلیسا و روشهای برخورد با تعالیم غلط و گروههای مختلف در کلیسا می باشد.

آیه کلیدی در این رساله باب ۳ آیه ۱۳ تا ۱۴ می باشد که می فرماید:  
*زیرا آتانی رو که کار شماسی رو نیکو کرده باشند، در به فوب برای فویشتن تمهیل می کنند و بلادت کامل در ایمانی که مسیح عیسی هست.*

*این رو به تو می نویسم به امید اینکه به زودی نزد تو بیایم، لیکن اگر تافیر اندازم تا برانی که چگونه باید در فانه فدا رفتار کنی که کلیسای فدای می و ستون و بنیاد راستی است.*

باب یک، در مورد ایمان مسیحیان نگاشته شده است.

در باب ۲، به نظم کلیسایی پرداخته می شود.

در باب ۳، به مقام ها و خدمات کلیسایی پرداخته می شود.

در باب ۴، به ارتداد ها و انحرافات که در کلیسا بوجود آمده و خواهد آمد پرداخته می شود.

در باب ۵، به وظایف ایمانداران و خادمین در کلیسا پرداخته می شود.

باب معروف آن باب ۳، در مورد صلاحیت و خدمت شبانان می باشد.

## دوم تیموتائوس؛

### تاریخ نگارش: ۶۷ م، محل نگارش: شهر روم

مخاطب آن باز هم تیموتائوس می باشد. هدف نگارش آن نصیحت و وصیت پولس به تیموتائوس است که قوت خویش را ادامه دهد و مشعل شهادت و حقانیت پادشاهی خدا را در دست های خویش بگیرد و در روزها و ساعات آخرین که پولس آماده برای شهید شدن هست، پایدار بایستد و امید را از دست ندهد و با اطمینان و اقتدار در کلیسای خداوند خدمت نماید.

در این نامه پولس اشتیاق خود را برای دیدار با تیموتائوس بیان کرده و نگرانی خود را از سعادت کلیساها بیان نموده است. همچنین به تیموتائوس تذکر می دهد که کلام نیکویی که به او سپرده شده است را حفظ نماید.

آیات کلیدی در اینجا در باب ۴ آیه ۱ و ۲ است که می فرماید:

*تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری فواید کرد  
قسم می دهم و به ظهور و ملکوت او که به کلام موعظه کنی و در فرصت و  
غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه، توبیخ و نصیحت نمایی با کمال تفمل و  
تعلیم.*

در باب یک، پولس در مورد زحمات خویش برای انجیلی که او موعظه می کرد صحبت به میان می آورد.

در باب ۲، از فعال بودن در خدمت صحبت به میان می آورد.

در باب ۳، در مورد ارتداد و انحرافات تعلیمی و تحریف هایی که در کلام خدا می شود صحبت به میان می آورد.  
در باب ۴، از وفاداری و امانت به خداوند صحبت به میان می آورد.

تیتوس؛

### تاریخ نگارش: ۶۳ م، محل نگارش: شهر روم

مخاطب به یکی از دوستان و شاگردان پولس است. موضوع اصلی آن، حقیقتی است که باعث سقوط، شکستن و ساکت نمودن اشتباهات می شود. حقیقت، اشتباهات را می تواند خنثی نماید. به او دستوراتی در مورد برخورد با اختلافات درباره رفتار و ایمان مسیحی می دهد. چطور تیتوس که یک خادم است با شقاق ها و با فریب هایی که در کلیسا وارد شده مقاومت و مبارزه می کند.

آیه کلیدی این رساله در باب ۱ آیه ۵ است که می فرماید:

*بدین جهت تو را که در کربیت و آگذاشتم تا آنچه را که باقی مانده است اصلاح نمایی و پناهی که من به تو امر نمودم، کشیشان را در هر شهر مقرر کنی.*

در باب یک، به نظم و ترتیبات در کلیسا پرداخته می شود.

در باب ۲، به تعالیم درست کلیسا پرداخته می شود.

در باب ۳، به رفتار و عملکرد درست مسیحیان در کلیسا پرداخته می شود.

از باب های معروف و پر فیض رساله تیتوس، باب یک است که به صلاحیت و خدمت شبانان پرداخته می شود.

**فیلمون؛**

**تاریخ نگارش: ۶۲ م، محل نگارش: شهر روم**

مخاطب آن دوستی از دوستان پولس به اسم فیلمون که یک ایماندار اهل کولس و در عین حال ارباب نیز بوده است. موضوع اصلی آن انصاف و محبت بین برادران ایماندار است و پولس تذکر می دهد که اختلافات باید در محبت حل شوند. در این رساله از فیلمون خواسته تا انیسیمس که سابقاً برای او کار می کرده را دوباره نزد خویش قبول نماید.

آیه کلیدی این رساله که تنها یک باب دارد، آیه ۱۶ است که می فرماید:  
*لیکن بعد از این نه پون غلام، بلکه فوق از غلام یعنی برادر عزیز خصوصاً به من، اما چند بار زیادتیر به تو هم در بسم و هم در فراوند.*

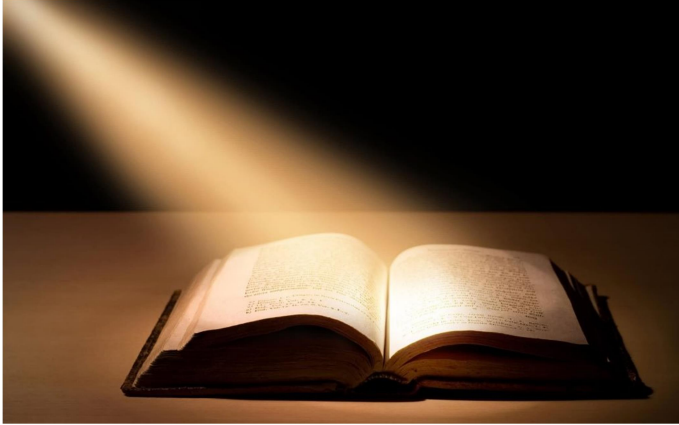
**نامه های پولس چگونه توزیع می شدند؟**

تیموتائوس که سالها همکار قابل اعتماد پولس بود و در تمام کلیساها با پولس کار کرده بود با سایر همکاران در غیاب پولس، به خوبی در تماس بود. از زندان، پولس به تیموتائوس در دوم تیموتائوس ۲-۲ دستور می دهد:

تعالیمی را در حضور جمع از من شنیده ای به افراد قابل اعتماد بسیار  
تا ایشان نیز بتوانند آنها را به دیگران تعلیم دهند .

تیموتائوس نامه های مختلف پولس را جمع آوری می کرد و به کلیساها  
اجازه می داد از روی این مجموعه، رونوشتی برای خود داشته باشند. به  
این اوراق پوستی در دوم تیموتائوس ۱۳-۴ اشاره شده است. از آنجا که  
تیموتائوس و همراهانش با تمام این کلیساها که پولس نامه هایش را به  
آنها می فرستاد در تماس بودند منطقی است که فرض کنیم که او در  
جمع آوری این مجموعه سهم فعالانه ای داشته است. از دوم پطرس  
۱۶-۳، محتمل به نظر می رسد که قبلاً مجموعه ای از نامه های پولس تا  
۶۴ میلادی وجود داشته یعنی وقتی که پطرس با جفای نرون شهید شد.

## رساله رومیان به نقل از انجیل شناسان



از نظر تاریخی، نامه به رومیان از جنجالی ترین، با نفوذترین و موثرترین متون کتاب مقدس است که در تاریخ اصلاحات کلیسا، از بدو تولدش تا به امروز و زندگی روحانی ایمانداران در مسیح خداوند نقش داشته است.

نامه پولس به رومیان، با سایر نامه‌های او تفاوت چشمگیری دارد. هر ایمانداری نامه‌های پولس را به رومیان بخواند، فوراً به تفاوتی که هم در شرایط و هم در روش نگارش وجود دارد پی خواهد برد. مهم‌ترین علت این تفاوت آن است که نامه پولس به رومیان، به کلیسایی نوشته می‌شد

که خودش در تأسیس آن هیچ نقشی نداشت و با آن هیچ تماس شخصی برقرار نکرده بود. این موضوع نشان می‌دهد که چرا در نامه به رومیان، از مشکلات عملی که در سایر نامه‌ها به آنها اشاره شده بحث زیادی نیست. آگوستین با خواندن رومیان ۱۳: ۱۳ - ۱۴ در سال ۳۸۶ میلادی، به مسیحیت گروید. اصلاحات پروتستان وقتی پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت که مارتین لوتر سرانجام معنی عدالت خدا را فهمید و اینکه «عادل به ایمان زیست خواهد کرد.» (سال ۱۵۱۷م)

آگوستین در کتاب هشتم اعترافات آگوستین فصل ۱۲، چنین نقل می‌کند: «آگوستین در سال ۳۸۶ م که در باغ دوست خود آلیپیوس نشسته بود، به شرارت خود اندیشیده، اشک می‌ریخت، در همان حال صدای کودکی را شنید که به لاتین می‌گفت: توله لگه، توله لگه (یعنی بردار و بخوان، بردار و بخوان)؛ او رساله رومیان را که در کنارش بود برداشت و اولین قسمتی را که به چشمش آمد، خواند.» (۴۱)

و با شایستگی رفتار کنیم پنهانگه در روز، نه در بزمها و کرها فسق و فجور و  
نزاع و حسد؛

بلکه عیسی مسیح فراوند را بپوشید و برای شهوات بسمانی تدارک  
نبینید.» (رومیان ۱۴-۱۳: ۱۳)

و در همان لحظه تحولی بنیادی در زندگیش اتفاق افتاد. او در خصوص این تجربه می‌گوید:

«بیشتر از این دیگر نخواندم، در واقع احتیاجی نبود تا بیشتر این بخش را مطالعه کنم. به این جهت که به محض اینکه جمله به پایان رسید، نوری بر قلبم تابید و تمامی شکهایم ناپدید گشته، اطمینان قلبی حاصل کردم.»

ادوین کشیش آبنوس می گوید: او در آن زمان به مسیح خداوند ایمان آورده و به کار نجات بخش او اعتماد می کند. آگوستین تنها الهیات دانی است که تفکرات و الهیات او به مدت هزار سال کلیسا را تحت تاثیر قرار داد و بسیاری از شاخه های مسیحی از او الهام گرفته اند؛ الهیات دانی که به نظر می رسد تحولات فکری و خداشناسی وی تاثیر پذیرفته از این رساله زیبا بوده است.

درست هزار سال پس از آن، مارتین لوتر، که راهب مکتب آگوستینی بود، در کلیسای کاتولیک خدمت می کرد؛ او رساله رومیان را به شاگردان خود در دانشگاه ویتنبرگ آلمان تعلیم می داد؛ هر چقدر که این رساله را بیشتر و عمیقتر مطالعه می کرد، متقاعدتر می گشت که موضوع اصلی پولس در این رساله، پارساشمرده شدگی تنها به وسیله ایمان است. (۴۱)

او می نویسد: «واقعا تمایل داشتم که رساله پولس رسول به رومیان را بفهمم، تنها چیزی که در بین من و درک این رساله حائل گشته بود، عبارت «عدالت خدا بود»، زیرا که فهم من از این عبارت این بود که خدا عادل است و عادلانه گناهکار را مجازات می کند... شبانه روز فکر کردم... تا متوجه شدم که عدالت خدا، آن عدالتی است که محض ایمان و فیض خود، ما را به وسیله ایمان، پارسا می شمارد؛ از آن پس، احساس

کردم که از نو زاده شده ام و از دروازه های باز عبور کرده، وارد فردوس گشته ام؛ تمام کتاب مقدس، معنای تازه ای برای من پیدا کرده بود، با در نظر گرفتن اینکه «عدالت خدا» مرا با نفرت پر ساخته بود، اکنون برای من به طرز غیرقابل بیانی شیرین گشته بود که بی نهایت دوستش داشتم. این بخش از نوشته پولس، برای من دروازه های آسمان گشته بود.» (۴۲)

جان وسلی، اطمینان از نجات را با خواندن مقدمه تفسیر رومیان به وسیله ی مارتین لوتر دریافت کرد که او این کتاب را در کلیسای خانگی موراویان در خیابان آلدرو در لندن مطالعه کرد. جان کالوین نوشته است: «وقتی کسی این رساله را بفهمد، در درون او مجرای باز می شود که بدان وسیله می تواند همه ی نوشته های مقدس را بفهمد.»

بدعت گزاران و حتی منتقدین افراطی، برای یکبار هم که شده، این دیدگاه جهانی را پذیرفتند که نویسنده ی رساله ی به رومیان، رسول امت ها بوده است.

فیلیپ ملنکتن، یکی از نخبگان اصلاحات در خصوص رساله رومیان می گوید: «این نامه، خلاصه ای از آموزه های ایمان مسیحی است.»  
قرنها پس از آن، جان وسلی نیز که خادم دست گذاری شده کلیسای انگلستان بود، همانند مارتین لوتر در خصوص معنای انجیل سردرگم بود؛ او در بعد از ظهر چهارشنبه، ۲۴ می سال ۱۹۷۳ میلادی می نویسد:

« بدون اینکه مایل باشم، به جمعی در خیابان آلدزگیت رفتم، در جایی که مقدمه نوشته لوتر بر رساله رومیان قرائت می شد؛ یک ربع به ساعت ۹ بود و خوانش این رساله در خصوص چگونگی تغییر قلب توسط خدا بود. "خدا به واسطه ایمان به مسیح، قلب را تغییر می دهد." احساس کردم قلبم به شدت گرم شد. احساس کردم که به مسیح اعتماد کرده ام. تنها مسیح، به جهت نجات به من بخشیده شد و گناهانم را از من گرفت، و مرا از قانون گناه و مرگ رستگار ساخت.» (۴۱)

جان کالوین در مورد رساله رومیان چنین می گوید:

«زمانی که شخص رساله رومیان را می فهمد، دروازه ای بروی او گشوده می گردد که او را به گنجهای مخفی کتاب مقدس می رساند.»

مارتین لوتر در خصوص رساله به رومیان اذعان می نماید:

«رساله رومیان، والاترین بخش عهد جدید و ناب ترین بخش انجیل است. نه تنها ارزش دارد تا هر مسیحی آن را کلمه به کلمه بداند، بلکه باید خود را هر روزه با آن مشغول گرداند، این رساله چون نان روزانه جان آدمی است.»

فردریک گودت، مفسر برجسته سوئسی می گوید:

«رساله رومیان، شکوه ایمان مسیحی است.»

مترجم بنام کتاب مقدس، ویلیام تیندل در مقدمه کتاب خود در مورد رساله رومیان می نویسد:

«این رساله، اصلی ترین و عالی ترین بخش عهد جدید بوده، و ناب ترین بخش انجیل را به ما معرفی می کند و همینطور راه و چراغی به سوی تمام کتاب مقدس است. کسی نمی تواند به اندازه کافی و یا بیش از حد این کتاب را مطالعه کند؛ هر چقدر بیشتر آن را بجویی (مطالعه کنی) خوشایندتر و آسانتر می گردد؛ هر چقدر اساسی تر آن را بررسی نمایی، چیزهای نهانی در آن یافت می گردند. گنجهای پنهان روحانی در آن نهاده شده اند.»

مفسر محبوب کلام، دونالد گری بارنهایوز که به مدت یازده سال، روزانه از رساله رومیان در برنامه رادیویی خود تعلیم می داد می گوید:

«یک دانشمند ممکن است که بگوید شیر مادر، کاملترین غذای انسانی است و شاید تحلیلی از اجزای ترکیب دهنده آن را به شما ارائه داده، فهرستی از ویتامینهای موجود در آن و همینطور میزان کالری آن را به شما نشان دهد. یک کودک، بدون اینکه با ترکیبات و محتویات شیر آشنایی داشته باشد، آن را مصرف کرده، هر روز رشد می کند، لبخند می زند و با وجود عدم دانش (در خصوص محسنات شیر) بزرگ می شود؛ حقیقت ژرف کلام خدا نیز اینگونه است.»

جی آی پکر می گوید:

«در سرتاسر تاریخ مسیحیت، همه متفق القول بوده اند که رساله پولس رسول به رومیان اوج و قله کتاب مقدس است، مکانی که تمام موضوعات کتاب مقدسی در یک چشم انداز وسیع، کنار هم به تصویر

کشیده شده است: خدا، انسان، گناه، فیض، شریعت، داوری، نقشه رستگاری، برگزیدگی، تباهی، نقش و کار شخص مسیح خداوند، خدمت روح القدس، اعمال، خلقت، فدیة، مکاشفه، عدالت، تقدیس، امید، مسیحی، سرشت کلیسا، جایگاه یهودیان و امتهای در نقشه فدیة بشر، فلسفه کلیسا و تاریخ دنیا، پیغام و معنای عهد عتیق، اهمیت تعمید، اصول سرسپردگی شخصی، اخلاقیات و مشارکت مسیحی، صورت دینداری و بی دینی؛ تماماً در اینجا است...»

و جان کریسوستوم، اسقف انطاکیه در قرن پنجم میلادی، هر هفته این رساله را با صدای بلند قرائت می کرد.

ادوین کشیش آنوس ادامه می دهد که اهمیت این رساله، نه تنها در تاکید الهیدانان گذشته تاریخ کلیسا و پژوهشگران معاصر مشاهده می شود، بلکه مباحث الهیاتی متعددی نیز سرچشمه گرفته از این نامه می باشند؛ آن اختلافات الهیاتی که منجر به شقاقهای کلیسایی، مانند اعتراض اصلاحگران بر الهیات کاتولیک گردید؛ نیز تنش های خداشناسی آرمینینها و کالونیستها آموزه برگزیدگی و اراده آزاد، تباهی کامل و سرشت ایمان نجات بخش و ... همگی نشان دهنده اهمیت این رساله و نفوذ آن بر تفکرات و الهیات مسیحی و توجه شگفت انگیز کلیسا بر آن است. نکته جالب و دوپهلویی که در خصوص این رساله وجود دارد، ماهیت و مقصود آن در ارائه انجیلی است که قصد اتحاد

داشته و نصیحت‌های کاربردی پولس که در حفظ اتحاد در حین وجود تنوع، در نهایت موجب شفاف‌هایی گردید که تا به امروز شفا نیافته اند. این مباحث و مناظرات تنها به برخوردهای تاریخی کاتولیکها و پروتستانها، اصلاحگران و آرمینها البته ختم نمی شود؛ بلکه گفتگوهای تازه ای در خصوص چگونگی خوانش این کتاب و درک این رساله در زمینۀ ذهنی و مذهبی حاکم در آن زمان، وارد صحنه شده، دریای پرتلاطم مباحث الهیاتی، با نخواستار طرفداران «چشم انداز تازه ای بر پولس»، خروشانتر گشته است.

به عقیده ادوین کشیش آبنوس، این رساله، همانگونه که با مسیحیان قرن اول میلادی صحبت می کرد، با ما نیز سخنان بسیاری دارد:

۱. در مورد مسائل اخلاقی: از چیزهایی مانند زنا، همجنس بازی، نفرت، قتل، دروغ و ناطاعتی مدنی می گوید؛

۲. در مورد مسائل منطقی: از ذهن انسانی که به خاطر فکر فاسدش، گمراه و سردرگم است حرف می زند؛

۳. در مورد مسائل اجتماعی: به ما تعلیم می دهد که ارتباط ما با یکدیگر باید چگونه باشد؛

۴. در مورد مسائل روانی: با ما سخن گفته، تعلیم می دهد که آزادی واقعی از کجا می آید و چگونه ما را از اسارت گناه رها می سازد؛

۵. در مورد مسائل ملی: از این صحبت می کند که مسئولیت ما در برابر دولتها چیست؛

۶. در مورد مسایل بین المللی: از این صحبت می کند که مسئولیت ما

نسبت به قوم اسرائیل و دنیایی که در آن زندگی می کنیم چیست؛

۷. در مورد مسائل روحانی: از این می گوید که انسان با وضعیت

سفناکش چگونه می تواند امید داشته باشد؛

۸. در مورد مسایل الهیاتی: از این سخن می گوید که رابطه جسم و روح

چیست؟ رابطه شریعت و فیض چیست؟ رابطه اعمال و ایمان

چیست؟ (۴۱)

جان پیپر می نویسد:

«پولس به کلیسای روم نامه می نویسد، تا برای خدمتش در اسپانیا،

پشتیبانی آنها را خواستار شده، و از یاری شان برخوردار گردد. او در

رساله رومیان ۲۴-۱۵ می نویسد: «هرگاه به اسپانیا سفر کنم، به نزد شما

خواهم آمد، زیرا امیدوار هستم که شما را در عبور، ملاقات کنم؛ و شما

مرا به آن سوی مشایعت نمایید.» او هیچ گاه به روم نرفته بود؛ و پیشتر آن

مسیحیان را هرگز ندیده بود. از این رو، در این شانزده فصل، انجیلش را

به ایشان عرضه می دارد.

آه! ای کاش که همه مبشران ما با کتاب رومیان آشنا باشند و آن را موعظه

کنند؛ و ای کاش ما که مبشران را می فرستیم، با کتاب رومیان آشنا بوده و

آن را زندگی کنیم، تا ما نیز آنها را به همان شکلی بفرستیم که پولس

می خواست از روم به اسپانیا فرستاده شود و از پشتیبانی برخوردار گردد.

## چرا پولس بر ایمان، محبت و امید تاکید می‌کند؟



پولس باور داشت سه چیز اساسی زندگی ایمان داران را شکل می‌دهد: ایمان، امید و محبت. خدا این سه برکت و هدیه مهم را با فیض عظیم خویش به ما عطا فرموده است. در رساله اول قرنتیان باب ۱۳، پولس پس از بحث مفصل در باره اهمیت محبت، در آخر فصل به این نتیجه می‌رسد که سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگتر از همه محبت است.

پولس، به گونه‌ای بسیار زیبا این مطلب را بیان می‌کند:

محبّت حلیم و مهربان است، محبّت حسد نمی‌برد، محبّت کبر و غرور ندارد، اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود، فشم نمی‌گیرد و سوء ظن ندارد، از ناراستی فوشوقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند، در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید، در همه حال امیدوار می‌باشد و هر چیز را متحمل می‌باشد. محبّت هرگز ساقط نمی‌شود و اما اگر نبوت‌ها باشد، نیست فواید شد و اگر زبانها، انتها فواید پذیرفت و اگر علم، زایل فواید گردید. و الحال این سه چیز باقی است؛ یعنی ایمان و امید و محبّت. اما بزرگتر از اینها محبّت است (۴۳).

او در رساله اش به تسالونیکیان می‌گوید که ایمان همراه عمل است، محبت محنت دارد و امید، پایداری به بار می‌آورد. پس بیشتر بر روی این کلام بایستی تأمل کنیم.

### نقش ایمان در زندگی

در دنیا ایمانداران زیادی وجود دارند. تقریباً می‌شود گفت که کسی نیست که بدون ایمان زندگی کند. هر کسی به چیزی یا کسی ایمان دارد. بعضی به یک نوع خدایی ایمان دارند و بعضی به شخصی که خیلی به او اطمینان دارند ایمان دارند. بعضی به قدرت و توانایی خود ایمان دارند و بعضی به حزب خود یا گروه خود ایمان دارند. بعضی نیز هستند که حتی

به اشیاء ایمان دارند و حتی بعضی به شانس در زندگی ایمان دارند، اما به نظر می آید که انسان بدون ایمان، قادر به ادامه حیات نمی باشد. مارتین لوتر می گوید: «خدای پدر همه چیز را طوری ساخته است که به ایمان بستگی داشته باشند، به طوری که هر کس که ایمان داشته باشد همه چیز خواهد داشت و هر که ایمان نداشته باشد هیچ چیز نخواهد داشت.» (۴۴)

ایمان، در کلام خدا و مسیحیت زمانی ایمان است که در عمل استفاده شود و نتیجه ای بدنبال داشته باشد. اگر شما فقط بگویید که خدا وجود دارد و به او ایمان دارید، کلام خدا می فرماید شیطان نیز ایمان دارد که خدا وجود دارد، ولی به نوعی دیگر زندگی می کند. ایمان تنها، برای رستگاری کافی نمی باشد. در کلام خدا ایمان، همراه با عمل است. در رساله یعقوب می خوانیم که ایمان بدون عمل، مثل بدن بدون روح است و یعقوب رسول می فرماید:

*ایمان برون عمل مرده است. (۴۵)*

در مسیحیت، ایمان می بایست همراه عمل باشد. ای دبلیو توزر می گوید: «کتاب مقدس، ایمانی را که اطاعت نداشته باشد نمی شناسد و نیز هیچ اطاعتی را نمی شناسد که از ایمان سرچشمه نگرفته باشد. این دو، دو روی یک سکه هستند.» (۴۴)

ایمانی که حقیقی است باید عملی باشد. شما نمی توانید بگویید که من به یک شخص قادر مطلق و پیروز و دانا و با محبت ایمان دارم در

حالیکه در بی محبتی و ضعف و ناتوانی زندگی می کنید (غلاطیان ۶-۵). صدای اعمال تو خیلی قوی تر از ایمان تو به گوش مردم خواهد رسید. در رساله اول تسالونیکیان ۱-۳، پولس رسول در مورد اعمال ایمان کلیسای تسالونیکیه صحبت به میان می آورد و می فرماید آنها را به یاد می آوریم. امروز تصمیم بگیر و بگو هر چه که در کلام خدا می خوانم، مو به مو اجرا خواهم کرد. به هر قیمتی که باشد، بهای آن را پرداخت خواهم کرد. عیسی مسیح مرد عمل بود. در اعمال رسولان ۱: ۱ می خوانیم که عیسی مسیح اول عمل می کرد و بعد تعلیم می داد. اگر مسیح خداوند می فرمود دعا کنید، خودش در ابتدای هر روز، وقت دعای کافی داشت. اگر مسیح خداوند می فرمود حتی دشمنانتان را محبت کنید، او جان خویش را برای دشمنانش داد. مسیح خداوند، نمونه شخصی است که به ایمانش عمل کرد و پیشوای ایمانداران شد. یکی از شرایط تعمید در آب این است که ایمان ما ثمر آورده باشد. هر کس که می گوید به مسیح خداوند ایمان آورده ولی هیچ تغییری در او بوجود نیامده باشد، ایمان او حقیقی نیست.

آگوستین می گوید: «ایمان، یعنی باور داشتن آنچه که نمی بینیم و پاداش ایمان، یعنی دیدن آنچه که باور داریم.» (۴۴)

بهترین شهادت در باره شما این خواهد بود که همسر شما، فرزند شما، عضو کلیسا، یا همکار شما بگوید که شما چقدر عوض شده اید. اینطور نیست. پس ایمان همراه عمل باید باشد.

هادسون تیلر که یک مسیونر به چین بود، در یکی از سفرهای خود به همسرش نامه می نویسد و می گوید «همه آنچه که داریم ۲۵ سنت است و مابقی همه وعده های خداست.» (۴۴)

ایمانداران کلیسای کولسی، امید خود را از شنیدن کلام راستین انجیل در یافت نموده بودند. انجیل مسیح، حقیقت است. انجیل حاصل تراواشات ذهن آدمیان نیست. انجیل به وسیله فکر و تلاش انسانها به وجود نیامده است. انجیل کلام راستی خدا می باشد. انجیل، پیام مرکزی کتاب مقدس می باشد. زیرا که کتاب مقدس، یک کتاب معمولی و نوشته شده توسط انسانها و زاییده افکار و ملاحظیات مردم عادی نیست. کتاب مقدس، کلام خدا است. بنابر این، ما قادر خواهیم بود که به کتاب مقدس و وعده های آن اعتماد کنیم.

*توسط حقیقت نور را تقدیس نمایید؛ کلام فراوند حقیقت است. (۴۶).*

ما مسیحیان باید دائماً درباره آن امیدی که برایمان در آسمان نهاده شده، تفکر کنیم. زیرا در آن صورت، کمتر در باره مسائل مادی و کسب موفقیت در این عالم و غیره تفکر می کنیم و امیدمان را کمتر به این دنیا می بندیم و بر هوای نفس خود چیره می گردیم.

**برای محبت باید رنج کشید**

دومین چیزی که در زندگی ما خیلی مهم است و شخصیت ما را شکل می دهد. محبت است. (۴۴)

محبت، اولین ثمره از ثمرات نه گانه روح القدس می باشد (۴۷)

در رساله قرنطیان باب ۱۳ همانطور که قبلاً آیات مربوط به محبت را بررسی کردیم، پولس محبت را مثل مزه در وسط ساندویچ گذاشته است. محبت، رنج و محنت و زحمت دارد. محبت یک روزه بوجود نمی آید. زمان می خواهد. فداکاری می خواهد. ایثار می خواهد. قربانی می خواهد. رنج و درد می خواهد و محبت بدون محنت نخواهد بود. اگر می خواهید در کلیسایتان رشد کنید با محنت و رنج و درد سعی کنید دیگران را محبت کنید (۴۸).

محبت کردن، همیشه محنت دارد و کار آسانی نیست. اول قرنطیان ۷-۱۳:۴ را بخوانید و ببینید که آیا محبت راحت است یا محنت و زحمت نیز دارد؟ دشمنی و نفرت، کار بسیار راحتی است و هر کسی می تواند آن را بخوبی انجام دهد. اما محبت و بنا کردن بسیار سخت است و مطمئناً همانگونه که پولس می فرماید محنت دارد.

مسیح خداوند، سلطان محبت بود و هست. او بهترینهایش را فدای بشر گناهکار کرد. بخاطر محبت حاضر شد در اصطبل بدنیا بیاید. (اشاره به تولد عیسی مسیح لوقا ۷-۲) بخاطر محبت، حاضر شد با بدترین آدمها نشست و برخاست کند. بخاطر محبت افرادی را به شاگردی انتخاب کرد

که ما به هیچ عنوان حاضر به انتخاب آنها به عنوان دوست و همراه نبودیم. دو نفر از آنها عصبی و زودرنج بودند (یعقوب و یوحنا)، یکی از آنها شکاک (توما)، دیگری باجگیر (متی) و هر کدام ایرادهای خود را داشتند ولی مسیح خداوند، با آنها نشست و برخاست کرد. مسیح خداوند، کسی را که می دانست او را تسلیم به مرگ خواهد کرد تا به آخر محبت کرد. وقتی پطرس، سه بار او را انکار کرد باز هم او از مسیح خداوند، محبت دید و مسیح خداوند، او را فراموش نکرد (متی باب ۷۵-۲۶:۶۹). هنگامی که پولس، بارها پیروان او را آزار داد مسیح خداوند به او محبت کرد و بر سر راه او در دمشق ظاهر شد و او را نجات داد و به رسالت مبعوث کرد (اعمال رسولان باب ۹). هنگامی که توما بازگشت او را باور نکرد او با صبوری، جای زخمهای خود را به توما نشان داد (یوحنا ۲۵-۲۴:۲۰). محبت مسیح خداوند، رنج صلیب را داشت و ما مسیحیان خوب می دانیم که محبت، رنج و محنت دارد، چون پسر خدا بخاطر نجات ما و بخاطر تنها و تنها، محبت خالصی که در دل نسبت به ما داشت محنت و رنج صلیب را تحمل کرد. (۴۴)

افرادی که از مسیح پیروی کردند و محبت را سرلوحه زندگی خود قرار دادند، بدون محنت و رنج زندگی نکردند. افرادی مثل مادر ترزا. افرادی مثل دیوید لیوینگستون. افرادی مثل پولس رسول، افرادی مثل آلبرت شوایتزر و دیگر چه کسانی را می توان نام برد. محبت قربانی می خواهد. آیا ما حاضریم این قربانی را بدهیم؟

سی اس لوئیس می گوید: «به خود زحمت ندهید و برسید که آیا محبت من صادقانه است یا خیر. این را بدانید که همان لحظه که شروع به محبت کردن شخصی بکنید، محبت شما نسبت به او رشد خواهد کرد. پس تا می توانید محبت کنید.» (۴۴)

پولس، خدا را برای ایمان و محبت کولسیان شکر می کند و ما نیز باید خدا را به خاطر ایمان و محبت یکدیگر شکر نماییم. باید شکرگزاری به خاطر یکدیگر را، بر ایمان به صورت عادت درآوریم. چه تاسف بار است که بارها به عوض شکرگزاری به خاطر وجود یکدیگر، لب به شکوه و شکایت می گشاییم؟ این کارها در نظر خدا، گناه است! او نمی خواهد که شکایتهای ما را از برادران و خواهرانمان بشنود.

پس به های شکایت و گله کردن از یکدیگر، بیایید خدا را برای یکدیگر شکر گوئیم (۴۹).

پولس، به طور مخصوصی به جهت ایمان کولسیان و به خاطر محبتی که با جمیع مقدسین می نمایند، خدا را شکر می نماید. ایمان و محبت، همیشه دست در دست هم دارند. ایمان خالی از کارهای نیکو، ایمانی کاذب و مرده است، کارهای نیکو و محبت، نشان، واقعی بودن ایمان می باشد، اگر محبت عملی در بین نباشد، ایمانی هم در کار نیست. (۵۰ و ۵۱)

(

## پایداری امید

پولس می فرماید که ایمان و محبت، زاینده امیدی که به جهت شما در آسمان گذاشته شده، می باشد. این امید کدام است؟ این همان امید حیات جاویدان، امید میراث در ملکوت آسمان است، حیات جاودانی، مشارکت دائمی با خدای پدر، زندگی جاوید با مسیح خداوند و سلطنت با او، امید راستین همۀ مسیحیان می باشد. امید ما ضعیف و واهی نیست. امید ما قوی است زیرا که این امید، از سوی مسیح خداوند به ما داده شده و بر مسیح خداوند نهاده شده است.

*عیسی مسیح، امید ماست، زیرا که تمامی برکات روحانی در بایوهای آسمانی در او و از او می باشد (۵۲).*

اگر مسیح را پذیرفته باشیم، این برکات را نیز دریافت نموده ایم. کتاب مقدس می فرماید:

*در وی، به سبب فون او، فدیه یعنی آموزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته ایم (۵۳).*

اگر محبت به تنهایی وجود داشت، در واقع امیدی وجود نداشت و ما چه انسانهای بیچاره ای می شدیم.

*زمانی از مسیح جدا، از تابعیت اسرائیل مفروم و با عهدهای شامل وعده، بیگانه بودید، و بی امید و بی فدا در این جهان به سر می بردید. (۵۴)*

اما خدا را سپاس می کنیم که امیدی وجود دارد. افرادی که افسرده می شوند اکثراً بدون امید هستند. افرادی که در کارشان خسته می شوند و از زندگی سیر می شوند، افرادی هستند که امید خود را از دست داده اند. امید به انسان پایداری و استقامت می بخشد.

روزی جرج مولر تصمیم گرفت که برای ۵ نفر از دوستانش دعا کند تا نجات یابند. پس از گذشت چند ماه یکی از آنها ایمان آورد. ۱۰ سال بعد دو نفر دیگر از آنها ایمان آورد. و برای اینکه چهارمین شخص نیز ایمان آورد ۲۵ سال طول کشید. مولر به دعای خود برای دوست پنجمش نیز ادامه داد و در طول ۵۲ سال زندگی دعایی اش هیچوقت از دعا کردن برای دوستانش خسته نشد و جالب اینجا بود که دوست پنجمش در مراسم تدفینش، قلبش را به مسیح سپرد. او با امید این کار را انجام داد و ثمره اش را دید. (۴۴)

در کتاب مقدس، امید به لنگر کشتی، تشبیه شده است (عبرانیان ۱۹-۶). اگر کشتیبانی بدانند که کشتی اش لنگری ندارد، هیچوقت مسافرت نخواهد کرد و مسافرانش را به تباهی نخواهد کشانید. همانقدر که لنگر در کشتی اهمیت دارد، امید در زندگی مهم است. اما چه نوع امیدی؟ امید واهی و پوچ، هر انسانی را از پا در می آورد.

من دائماً امیدوار خواهم بود و تو را هر چه بیشتر خواهم ستود. (۵۵)

دیوید لوید جرج گفته است: «هیچ چیز کشنده تر از کارنا تمام برای شکل گیری شخصیت وجود ندارد. امید ما مسیحیان، امید پر جلالی است. ما به چیزی امید داریم که بیعانه آن را چشیده ایم و دیده ایم. ما مسیحیان خرافاتی نیستیم بلکه خیلی هم انسانهای واقع گرا هستیم. اگر می گوئیم می دانیم که پس از مرگ زنده خواهیم شد بخاطر این است که استاد ما از مردگان برخاسته و برای ما نمونه ای بجا گذاشته است. اگر می گوئیم می دانیم که تا ابد در حضور خداوند خواهیم بود، ابدیت را از امروز لمس کرده ایم. ما مسیحیان ایده آلیست نیستیم، بلکه رئالیست هستیم و خیلی رئالیستتر از هر رئالیستی. (۴۴)

کلام خدا می فرماید:

### **امید ما باعث شرمساری نمی شود. (۵۶)**

امیدی که ما مسیحیان داریم، فقط به این چند صباح وابسته نیست بلکه تا ابدیت، پیش می رود. امید به ما توانایی می بخشد که وقتی مأیوس می شویم، به خود بگوئیم بلند شو، چون پاداش تو بس عظیم است. بلند شو، چون مسیح خداوند تو بزودی برمی گردد. وقتی شک می کنیم، امید به ما روزنه ای را نشان می دهد که می توانیم بینیم زندگی ما بیهوده نیست. وقتی خسته می شویم، امید به پاهای ناتوان ما قوت می بخشد.

## کلام آخر



در میان حواریون، تا زمانی که مسیح خداوند به صلیب کشیده نشده بود پطرس، محبوب ترین حواری نزد مسیح خداوند بود. البته مسیح خداوند قبل از به مصلوب شدنش، پطرس را جانشین خود و بزرگ دیگر حواریون معرفی کرد.

با گذشت زمان، شخصی به جمع حواریون و شاگردان وارد شد که اگر نگوییم در میان مسیحیان از جایگاهی بالاتر از پطرس بر خوردار شد حد اقل شانه به شانه پطرس مقامش بالا رفت.

البته جایگاه این شخص در انجیل، به مراتب بالاتر از پطرس است. زیرا او شخصی است که از مجموع ۶۸۰ صفحه انجیل، ۲۰۰ صفحه را به خود اختصاص داده است، یعنی بیش از ۳۵ درصد انجیل. این در حالی است که سهم پطرس، فقط ۲۰ صفحه است. سهم پطرس، ۱۰ درصد سهم حواری تازه وارد است. سهم پطرس، ۲ نامه و سهم حواری تازه وارد، ۱۳ نامه است.

پولس تازه وارد، ظرف برگزیده مسیح خداوند، نبرد حیات ایمانی را برد. در کلام پولس، تماماً حیات و زندگی جریان دارد. پولس می خواهد حقیقتی را اعلام کند و آن این است که فیض خدا، همان فیض رایگان و پرجلال مسیح بر زندگانی ما جریان دارد. در عهد عتیق، مردم بعد از گناه و ناطاعتی از شریعت موسی مورد حکم قرار می گرفتند، اما الان ما در دوران فیض مسیح خداوند هستیم. داوری بر ما آسان تر است. پولس باور داشت هیچ کاری نیست که انسان با انجام آن کار بتواند رضایت خداوند را جلب کند و انجام اعمال شریعت، نمی تواند باعث پذیرفته شدن انسان نزد خداوند شود. اما خداوند ما فیاض و بخشنده است. او خدایی است که برای ما پیش شرط توبه را گذاشت. پس ما نباید تصور کنیم که با انجام اعمال و قدرت انسانی و انجام کارهای نیکوست که نزد

خدا محبوب تر خواهیم شد، بلکه تنها با فیض، امکان پذیر است. پس از پولس و زندگیش درس می گیریم و به نقشه نجات خداوند ایمان خواهیم داشت.

ابراهیم قبل از آنکه بعنوان یکی از قهرمانان ایمان شناخته شود تنها با رمز اطاعت کردن از خداوند مورد قبول او قرار گرفت و نه با انجام کارهای مذهبی و نیکو. خداوند هم امروز از ما، دلی مطیع می خواهد. مسیح خداوند در ابتدای خدمت خود و بعد از تعمید به دست یحیی در رود اردن بود که صدای خداوند را شنید که فرمود:

*این است فرزند محبوب من که از او شنودم.* (۵۷)

رمز خشنودی پدر از پسر، اطاعت پسر از او بود. او که تمام جلال خود را در آسمان داوطلبانه ترک گفت و به روی زمین آمد. او هنوز نه معجزه ای انجام داده بود و نه ایلعازر را زنده کرد بود (اشاره به یوحنا باب ۴۳-۱۱). اما خشنودی خداوند را همراه داشت چون اطاعت کرده بود.

پولس، برای جواب دادن به شریعت گرایانی که فکر می کردند میزان محبت خدا به انسان ها، مربوط به انجام اعمال شریعت می شود به سه نکته اشاره دارد:

۱- تمام فکر انسان، باید به این باشد که به خداوند و به کلیسا خدمت کند.

۲- سخنان و نظر مردم برای انسان، مهم نباشد.

۳- اگر انسان طالب رضامندی مردم باشد نمی تواند مثل پولس خود را غلام مسیح بداند. (زحمات پولس برای انجیل و دیدن آثار شکنجه ها همه نشانه این است که او غلام مسیح است)(۵۸)

آیا امروز شهادت زندگی شما هم مثل پولس است که من غلام مسیح خداوند هستم؟ آیا امنیت شما در خداوند است؟ آیا دنبال تایید دیگران هستید؟ باید زندگی شما نمایانگر این باشد که با خداوند راه می روید. جلب رضایت مردم باعث می شود که شما به ملکوت خداوند حضور نیایید.

*خیف و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح فراوند بر شما باد!*

## منابع

- ۱- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۴ تا ۵۹
- ۲- ناس، جان(۱۳۵۴)، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، انتشارات پیروز
- ۳- کتاب مقدس، رساله فیلیپیان باب ۳ آیه ۵ تا ۶
- ۴- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳ تا ۵
- ۵- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۲۵ تا ۲۸
- ۶- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۴ تا ۱۶
- ۷- کتاب مقدس، رساله دوم قرنتیان باب ۱۱ آیه ۲۴ تا ۲۵
- ۸- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۲۸ تا ۲۹
- ۹- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۱۱ تا ۱۲
- ۱۰- کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۲۷ تا ۲۸
- ۱۱- کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۱۴ آیه ۳ تا ۴
- ۱۲- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۱۴ آیه: ۸ تا ۱۸
- ۱۳- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۱۵ آیه ۱۲ تا ۱۹
- ۱۴- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۱۶ آیه ۱۶ تا ۳۴
- ۱۵- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۱۹ آیه ۶ تا ۸
- ۱۶- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۲۰ آیه ۸ تا ۱۲
- ۱۷- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۲۸ آیه ۳ تا ۶
- ۱۸- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۲۸ آیه ۸ تا ۹
- ۱۹- کتاب مقدس، رساله اول پطرس، باب ۵ آیه ۱۲
- ۲۰- کتاب مقدس، اعمال رسولان ، باب ۱۵
- ۲۱- ویکی پدیا
- ۲۲- کتاب مقدس، رساله کولسیان، باب ۱ آیه ۸
- ۲۳- سامدال، دان (۲۰۱۶)، مقاله "چرا پولس"
- ۲۴- کتاب مقدس، اشعیا نبی باب ۴۲ آیه ۱
- ۲۵- کتاب مقدس، متی، باب ۲۸ آیه ۱۶ تا ۲۰
- ۲۶- کتاب مقدس، رساله قرنتیان اول، باب ۱۵ آیه ۸
- ۲۷- کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۹ آیه ۱۵
- ۲۸- کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۲۲ آیه ۲۱
- ۲۹- کتاب مقدس، رساله رومیان، باب ۱۳ آیه ۱۱

- ۳۰- کتاب مقدس، رساله افسسیان، باب ۳ آیه ۱
- ۳۱- کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۹ آیه ۱۱
- ۳۲- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱ تا ۱۹ و باب ۲۲ آیه ۱ تا ۲۱ و باب ۲۶ آیه ۱ تا ۲۳
- ۳۳- کتاب مقدس، رساله رومیان باب ۱۱ آیه ۲۵ تا ۳۲
- ۳۴- کتاب مقدس، اعمال رسولان باب ۲ آیه ۱۴ و باب ۳ و آیه ۱۲
- ۳۵- کتاب مقدس، متی باب ۲۳ آیه ۳۷ تا ۳۹
- ۳۶- کتاب مقدس، رساله غلاطیان، باب ۲ آیه ۷ تا ۱۹
- ۳۷- کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۲۰ آیه ۲۴
- ۳۸- کتاب مقدس، رساله قرنتیان یکم، باب ۱۵ آیه ۱ تا ۴
- ۳۹- سامدال، دان (۲۰۱۶)، مقاله "چرا پولس"
- ۴۰- کتاب مقدس، رساله اول قرنتیان، باب ۱۳ آیه ۱ تا ۷
- ۴۱- هوسیپان، ادوین کشیش آبنوس (۲۰۱۳)، مقاله تفسیر رساله رومیان
- ۴۲- CF. Barend Klaas Kuiper ۱۹۹۳, Martin Luther: The Formative Years.
- ۴۳- کتاب مقدس، رساله اول قرنتیان، باب ۱۳ آیه ۴ تا ۸ و ۱۳
- ۴۴- باباخانی، ورژ (۲۰۰۷)، مقاله "عمل ایمان محنت محبت پایداری امید"
- ۴۵- کتاب مقدس، رساله یعقوب، باب ۲ آیه ۱۷
- ۴۶- کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب ۱۷ آیه ۱۷
- ۴۷- کتاب مقدس، رساله غلاطیان، باب ۵ آیه ۲۲ تا ۲۳
- ۴۸- کتاب مقدس، رساله اول یوحنا، باب ۲ آیه ۹ و باب ۴ آیه ۲۰
- ۴۹- کتاب مقدس، رساله افسسیان، باب ۱ آیه ۱۵ تا ۱۶
- ۵۰- کتاب مقدس، رساله غلاطیان، باب ۵ آیه ۶
- ۵۱- کتاب مقدس، رساله یعقوب، باب ۲ آیه ۱۴ تا ۱۷
- ۵۲- کتاب مقدس، رساله افسسیان، باب ۱ آیه ۳
- ۵۳- کتاب مقدس، رساله افسسیان، باب ۱ آیه ۷
- ۵۴- کتاب مقدس، رساله افسسیان، باب ۲ آیه ۱۲
- ۵۵- کتاب مقدس، مزور باب ۷۱ آیه ۱۴
- ۵۶- کتاب مقدس، رساله رومیان، باب ۵ آیه ۵
- ۵۷- کتاب مقدس، متی باب ۳ آیه ۱۷
- ۵۸- اخوان، سارا (۲۰۱۶)، "بررسی رساله غلاطیان"، موعظه کلیسای کاپسری